

فرصت‌ها و تهدیدهای گسترش گروه بریکس برای امنیت اقتصادی ج.ا.ایران و راهبرد مناسب در قبال آن

سید شمس‌الدین حسینی^۱

حسین احمدی^۲

تاریخ پذیرش: ۹۵/۱۲/۰۱

تاریخ دریافت: ۹۵/۱۰/۰۵

چکیده

تعامل کشورهای در حال توسعه با قدرت‌های جدید سیاسی - اقتصادی می‌تواند در رشد و پیشرفت آنها اثرگذار باشد و در این میان، کشورهایی که سعی در تحقق پیشرفت دارند یا به هر دلیلی از راه یافتن و پیوستن به سازمان‌های سیاسی یا اقتصادی دنیا بازمانده‌اند، می‌کوشند تا با ملحق شدن به این سازمان‌ها، نیازهای خود را برآورده سازند. در جهان معاصر، حتی برای یک قدرت بزرگ جهانی، دنبال کردن سیاست خارجی مؤثر و تأمین منافع سیاسی و اقتصادی خود بدون اتکا بر کشورهای دوست یا شرکای عادی، کار دشواری است. این امر برای قدرت‌های منطقه‌ای که یکی از آنها ج.ا.ایران است، به‌ویژه مبرم می‌باشد. با توجه به افزایش بی‌اعتمادی به آمریکا بعد از بدقولی‌های آنها در برجام، می‌توان چنین استدلال کرد که وارد شدن ج.ا.ایران در سازمان‌ها و تشکل‌های بین‌المللی مانند گروه بریکس، می‌تواند از تنش‌هایی که بیشتر به دلیل سیاست‌های جانبدارانه غرب به وجود آمده، خواهد کاست. تحقیق حاضر به بررسی پیامدهای گسترش گروه بریکس برای امنیت اقتصادی ج.ا.ایران و کشف راهبرد مناسب تعامل ج.ا.ایران بر اساس آینده پیش روی گروه بریکس می‌پردازد. با توجه به نتیجه تحقیق، وارد شدن ج.ا.ایران در این گروه قدرتمند می‌تواند در رشد و توسعه اقتصادی ج.ا.ایران اثرگذار باشد و منجر به سرمایه‌گذاری‌های بریکس در اقتصاد ج.ا.ایران، ایجاد بازارهایی برای صادرات و واردات ج.ا.ایران و هم‌پیمانان خوبی در مرادات بین‌المللی ج.ا.ایران شود.

واژگان کلیدی: بریکس، ج.ا.ایران، امنیت اقتصادی، فرصت‌ها و تهدیدها.

۱. عضو هیئت علمی دانشکده اقتصاد، دانشگاه علامه طباطبائی (Economics1967@gmail.com)

۲. کارشناس ارشد مدیریت بازرگانی بین‌الملل، دانشگاه علامه طباطبائی (hosseinahmadi@atu.ac.ir)

۱. مقدمه

تغییر و تحولات سریع و شتابنده معاملات سیاسی، اقتصادی و نظامی در دو سطح منطقه‌ای و بین‌الملل باعث گردیده تا امروزه کشورها بنا به نیاز و ضرورت‌های جایگاه خود در عرصه جهانی و در چارچوب نظریه‌های همگرایی و امنیت گروهی، به سوی همکاری و تعامل بیشتر حرکت کنند. این امر به نوبه خود، هم‌پیمانی‌ها و ائتلاف‌های جدیدی را رقم می‌زند یا ائتلاف‌های پیشین را تقویت یا حتی تضعیف می‌کند. (سنایی و ابراهیم‌آبادی، ۱۳۹۲)

به شکل خاص آن دسته از کشورهای در حال توسعه و دارای اقتصاد نوظهور که ظرفیت تبدیل شدن به یک قطب منطقه‌ای را دارند، باید از طریق یافتن راه‌های مؤثر در پی به چالش کشیدن سلسله مراتب فعلی نظام بین‌المللی و ارتقای خود به عنوان یک قطب قدرت در نظام چندقطبی آینده باشند. (فلمز، ۲۰۰۷)

یکی از اقتصادهای نوظهور، گروه بریکس^۱ می‌باشد. نام این گروه از به هم پیوستن حروف اول نام انگلیسی کشورهای عضو این گروه (برزیل، روسیه، هند، چین و آفریقای جنوبی) تشکیل شده است. ایده شکل‌گیری این گروه در سال ۲۰۰۱ توسط مؤسسه سرمایه‌گذاری گلدمن ساکس^۲، به منظور پیش‌بینی وضعیت اقتصادی جهان و قدرت‌های برتر مطرح گردید. (هایبین^۳، ۲۰۱۲)

«جیم انیل»^۴ اولین بار در سال ۲۰۰۳ نام مخفف این گروه را با نام بریک در سر تیتیر یک روزنامه اقتصادی به کار برد. در اجلاس شصت و یکم مجمع عمومی سازمان ملل متحد در سال ۲۰۰۶، وزرای امور خارجه کشورهای برزیل، روسیه، هند و چین گفت‌گوهای مقدماتی را آغاز کردند و بعد از این اجلاس، رهبران ارشد بریک، در چهار نشست دیپلماتیک دیگر (یکاترینبورگ، سائوپائولو، توکیو و لندن) به منظور محکم ساختن پایه‌های

1 Flemes

2 BRICS: Brazil, Russia, India, Chin, South Africa

3 Goldman Sachs

4 Haibin

5 Jim O'Neill

شکل‌گیری این گروه شرکت کردند. آفریقای جنوبی نیز تلاش‌های فراوانی در سال ۲۰۱۰ به منظور عضویت در گروه بریک از خود نشان داد که سرانجام وزرای امور خارجه کشورهای عضو در نشستی که در ۲۱ سپتامبر ۲۰۱۰ در نیویورک برگزار گردید، با عضویت آفریقای جنوبی موافقت کردند. عنوان بریک پس از پیوستن آفریقای جنوبی به بریکس تغییر نام یافت. (بریانسکی، ۲۰۱۱)

ج.ا.ایران یک قدرت منطقه در جنوب غربی آسیاست و جایگاه مهمی را به دلیل در اختیار داشتن منابع انرژی نفت و گاز، صنعت پتروشیمی و خودروسازی دارد و از طرفی خطوط مواصلاتی بین‌المللی شرق و جنوب شرق آسیا و اروپا توسط ج.ا.ایران فراهم می‌باشد. بنابراین به شکل گسترده مورد توجه اقتصادهای بزرگ جهان قرار گرفته است و با توجه به شرایط، حضور فعال در مجامع و سازمان‌های اقتصادی و تجاری منطقه‌ای و جهانی امری ضروری و اجتناب ناپذیر است. (رحمانی و دیگران، ۱۳۸۵) بنابراین چنین برداشت می‌شود که حضور ج.ا.ایران در یک گروه قدرتمند، می‌تواند در رشد و توسعه اقتصادی ج.ا.ایران اثرگذار باشد.

۲. هدف، سؤال‌ها و روش انجام تحقیق

۲-۱. هدف تحقیق

بررسی پیامدهای گروه بریکس برای امنیت اقتصادی ج.ا.ایران و کشف راهبرد مناسب تعامل ج.ا.ایران بر اساس آینده پیش روی گروه بریکس.

۲-۲. سؤال‌های تحقیق

الف) شکل‌گیری و تقویت گروه بریکس به عنوان یک گروه برتر در اقتصاد جهانی، چه فرصت‌ها و تهدیدهایی برای امنیت اقتصادی ج.ا.ایران به وجود خواهد آورد؟

ب) راهبرد مناسب تعامل ج.ا.ایران با گروه بریکس بر اساس آینده پیش‌روی بریکس چه می‌باشد؟

۲-۳. روش تحقیق

روش انجام تحقیق بر اساس هدف، توسعه‌ای - کاربردی می‌باشد. بر اساس ماهیت و روش، اکتشافی بوده و از نظر نوع داده‌ها کیفی - کمی می‌باشد.

۳. اهداف، اجلاس و توانایی گروه بریکس

۳-۱. اهداف گروه بریکس

کشورهای عضو بریکس با برخورداری از رشد سریع اقتصادی و کسب جایگاه ویژه در اقتصاد بین‌الملل درصدد هستند تا به‌شکل تدریجی بر روند تصمیم‌گیری‌های ویژه نظام بین‌المللی اثرگذار باشند و با اصلاح نهادهای مالی و سیاسی بین‌المللی، نظام جدیدی از حاکمیت بین‌المللی را طراحی کنند. کشورهای بریکس خواهان واگذاری بخشی از قدرت آمریکا و اروپا به آنها برای همکاری بیشتر آنان در صندوق بین‌المللی پول و بانک جهانی هستند؛ بنابراین هدف اصلی بریکس: تأسیس و ایجاد نظم جهانی عادلانه‌تر و منصفانه‌تر، به‌ویژه از طریق اصلاح نهادهای مالی بین‌المللی کنونی می‌باشد.

۳-۲. اجلاس گروه بریکس

اعضای گروه بریکس از سال ۲۰۰۹ جلسات سالیانه سران را تشکیل داده‌اند، که تاکنون در هشت نشست، برای توسعه همکاری‌های اقتصادی، انرژی، نظامی و سیاسی بین آن کشورها گفت‌گو و تبادل نظر صورت گرفته است.

جدول شماره (۱) اجلاس های گروه بریکس

اجلاس	شهر / کشور میزبان	تاریخ	مشارکت کنندگان
اول	یکاترینبورگ / روسیه	۱۶ ژوئن ۲۰۰۹	بریک
دوم	برازیلیا / برزیل	۱۶ آوریل ۲۰۱۰	بریک
سوم	سانیا / چین	۱۴ آوریل ۲۰۱۱	بریکس
چهارم	دهلی نو / هند	۲۹ مارس ۲۰۱۲	بریکس
پنجم	دوربان / آفریقای جنوبی	۲۷ مارس ۲۰۱۳	بریکس
ششم	فورتالیزه / برزیل	۱۵ جولای ۲۰۱۴	بریکس
هفتم	اوا / روسیه	۹ جولای ۲۰۱۵	بریکس
هشتم	گوآ / هند	۱۶ اکتبر ۲۰۱۶	بریکس

www.brics.utoronto.ca

در مجموع هشت اجلاس گروه بریکس توافقی های زیر حاصل گردید:

- بهبود وضعیت اقتصادی و اصلاح نظام مالی جهان؛
- برقراری روابط پولی و تجاری نزدیک با یکدیگر؛
- ایفای نقش مؤثر و بیشتر در امور اقتصادی جهان؛
- افزایش مبادلات تجاری با یکدیگر؛
- همکاری ارزی؛
- کاهش وابستگی به اروپا و ایالات متحده آمریکا؛
- تشکیل بانک توسعه و ذخیره ارزی در رقابت با بانک جهانی و صندوق بین المللی پول؛
- تمرکززدایی از دلار؛
- پیشبرد اقتصادهای کلان با درک و همیاری کشورهای خواستار توسعه؛
- ایجاد اطمینان در متوازن ساختن مبادلات، پرداخت ها و دریافت ها در صندوق بین المللی پول؛

- کاهش خطرپذیری‌های احتمالی بازار پولی و ارزی پنج کشور عضو؛
- ثبات در بازار انرژی؛
- افزایش قدرت رقابت با دیگر قطب‌های جهان؛
- سرمایه‌گذاری‌های مشترک در پروژه‌های فراگیر. (www.brics.utoronto.ca)

۳-۳. توانایی فعلی گروه بریکس

در مجموع می‌توان توانایی گروه بریکس را این‌گونه برشمرد:

- ۲۶ درصد کل خاک زمین را در اختیار دارد؛
- ۳۰ درصد از تولید ناخالص داخلی جهان را در اختیار دارد؛
- ۴۳ درصد جمعیت دنیا در این پنج کشور است؛
- ۴۵ درصد ذخایر ارزی و طلای جهان را تشکیل می‌دهد؛
- ۲۸ درصد از توان اقتصادی و تولیدات اقتصادی جهان را به خود اختصاص داده است؛
- بیش از ۲۰ درصد از کل مبادلات بازرگانی و بیش از ۲۰ درصد از سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی جهان توسط این پنج کشور صورت می‌گیرد؛
- عضویت دائم چین و روسیه در شورای امنیت؛
- دستیابی روسیه، هند و چین به سلاح هسته‌ای. (World Bank, 2015)

۴. روابط ج.ا.ایران و کشورهای عضو بریکس

۴-۱. ج.ا.ایران و روسیه

فدراسیون روسیه کشوری است اروپایی- آسیایی که جمعیت آن بالغ بر ۱۴۵ میلیون نفر می‌باشد. میزان تولید ناخالص داخلی روسیه در سال ۲۰۱۵ با حجم ۱/۲۳۶ تریلیون دلار رتبه سیزدهم را در جهان دارا می‌باشد. (IMF, 2015)

دستیابی ج.ا.ایران به توافق هسته‌ای با کشورهای ۵+۱ و شکل جدید روابط ج.ا.ایران و روسیه پس از آن، باعث گردیده تا نگاه‌های بین‌المللی به سمت این دو کشور معطوف شود. از سال ۲۰۱۳ مؤلفه‌های نوظهور سیاست داخلی این دو کشور، آنها را به هم نزدیک کرد. شباهت‌ها و اشتراکات فرهنگی این دو کشور باعث گردیده تا روابط آنها با وجود پیچیدگی‌های فراوان به هم نزدیک شود. ج.ا.ایران از لحاظ ژئواستراتژیک، اهمیت بسیاری برای روسیه دارد: اول اینکه، روسیه و ج.ا.ایران منافع مشترکی در رابطه با سوریه دارند؛ دوم اینکه، روسیه کشور ایران را به‌عنوان برهم‌زننده تعادل در قبال سنی‌های افراطی دشمن روسیه محسوب می‌کند. افزون‌بر این دو دلیل، دلایل دیگر در این میان اهمیت دارند. برای مثال، می‌توان به نگاه رسانه‌های روسی از جمله شبکه‌های اجتماعی در مورد ایران اشاره کرد:

(۱) ج.ا.ایران یک کشور مسلمان است، اما به نسبت کشورهای وهابی مانند عربستان که دشمن قسم‌خورده روسیه است، از یک اسلام بسیار متمدنانه‌تر برخوردار است. (۲) ج.ا.ایران و روسیه، شرکای خوب در جنگ علیه تروریسم هستند. (۳) حکومت ایران یک کشور سنتی و محافظه‌کار است و با همجنس‌بازی مقابله می‌کند. ممکن است که این امر برای جامعه روسیه مسخره باشد، اما برای برخی نخبگان این ارزشمند است. این وضعیت با تعریف حزب جبهه ملی فرانسه، که پوتین را سیاستمداری زیرک و قدرتمند می‌داند و فردی است که برای کشور خود اهمیت قائل است و سیاست نفرت از آمریکا و همجنس‌بازی را حفظ کرده، مطابقت دارد. (مرکز پژوهش روابط بین‌الملل رایین، ۲۰۱۴)

شباهت‌های بسیاری بین نوع حرف زدن پوتین و رهبر ج.ا.ایران وجود دارد. هر دو قویاً بر حفظ تمامیت ارضی و خودکفایی تأکید می‌کنند. هر دو در سخنان و سیاست‌شان بر تنوع‌بخشی منابع و صادرات و دوری از وابستگی به تک محصولی بودن تأکید دارند. برای مثال، یکی از نکات کلیدی سخنان رهبر ج.ا.ایران، واژه «پیشرفت علمی و فناوری» است؛ وی قویاً تأکید بر تولید داخلی و ایجاد یک نظام بانکی مستقل ایرانی کرده و پوتین نیز پیوسته تأکید بر چنین رویکردی داشته است. یکی از وجوه بسیار پررنگ تشابه میان این دو

را می‌توان اهداف ژئوپلیتیک آنها دانست: کارشناسان رسمی روسیه همواره از کمبود احترام نسبت به روسیه سخن می‌گویند و برای مثال، «سرگئی کاراگانوف» (رییس شورای دفاعی خارجی روسیه) مدام از لزوم احترام بیشتر به روسیه حرف می‌زند و همین لحن و ادبیات را می‌توان در رهبران ج.ا.ایران هم دید: «ج.ا.ایران یک قدرت منطقه‌ای با حقوق قانونی است و باید احترام بیشتری به این کشور گذاشته شود». روسیه و ج.ا.ایران خواستار این هستند که همچون آمریکا و انگلیس ائتلاف بزرگ و اثرگذاری شکل بدهند اما مشکل اینجاست که حوزه تأثیر آنها را کشورهای تشکیل داده که خواهان نزدیک شدن به آمریکا و ناتو هستند و از این جهت است که ج.ا.ایران و روسیه از عدم وجود احترام کافی حرف می‌زنند. اما تنها تفاوت در اینجاست که رهبران ج.ا.ایران وقتی از رویکرد و نگاه خود در مورد کشورهای عرب همسایه سخن می‌گویند، به سطح روابط خوب اشاره می‌کنند و مانند روسیه شفاف و واضح نمی‌گویند که دقیقاً نگاه سیاست خارجه آنها نسبت به همسایگان چیست. (مرکز پژوهش روابط بین‌الملل رابین، ۲۰۱۴)

وقتی در خصوص روابط ج.ا.ایران و روسیه صحبت می‌شود، دیگر نباید به این سؤال که روابط این دو کشور راهبردی است یا راهکنشی توجه کرد، بلکه فقط باید به دقت به برخی از موارد این روابط توجه شود تا پویایی آن را فهمید. پنج نکته وجود دارد که کمک می‌کند تا درک بهتری از روابط ج.ا.ایران و روسیه داشت. این عوامل، روابط سیاسی و اقتصادی میان ج.ا.ایران و روسیه را شکل می‌بخشد: (شکیبی، ۱۳۹۵)

۴-۱-۱. روابط مثلی بین ج.ا.ایران، روسیه و آمریکا

وقتی راجع به روسیه و آمریکا صحبت می‌شود باید روابط این دو را در نظر گرفت. تا سال ۱۹۹۸ روسیه سیاستی غرب زده داشت. روسیه با نگاه به غرب، به دنبال برقراری روابط مناسب با آمریکا بود. با روی کار آمدن یوگنی پریماکف به عنوان نخست‌وزیر روسیه، مسیر سیاست خارجی این کشور کاملاً تغییر کرد. روسیه بر آن شد تا همراه با چین و هند علیه یک نظام تک قطبی مبارزه کند. نکته جالب توجه این است که وقتی روسیه راجع به نظام چندقطبی بین‌المللی حرف می‌زند، معمولاً راجع به هند و چین صحبت می‌کند و ج.ا.ایران

هرگز در این برنامه جایی ندارد. این نشان می‌دهد که روسیه هنوز به ج.ا.ایران اعتماد کافی ندارد و ایران را شریکی پایدار نمی‌داند. اما وقتی آمریکا سعی می‌کند نفوذ خود را در غرب آسیا، قفقاز و آسیای میانه گسترش دهد، معمولاً روابط ج.ا.ایران و روسیه قوی‌تر می‌شود. هنگامی که روسیه و آمریکا همکاری می‌کنند، روابط بین ج.ا.ایران و روسیه کمی ضعیف می‌شود. البته با انتخاب پوتین به‌عنوان رئیس‌جمهور روسیه، روابط بین ج.ا.ایران و روسیه قوی‌تر شده است. (شکیبی، ۱۳۹۵)

۴-۱-۲. ژئوپلیتیک آسیای میانه و قفقاز

روسیه و ج.ا.ایران، هر دو، در مرز با قفقاز و آسیای میانه قرار دارند و این وضعیت ژئوپلیتیک، زمینه را برای احتمال همکاری‌ها فراهم می‌کند. البته این‌ها می‌تواند تجلی بخش مخالفت‌های عملی نیز باشد. برای مثال، نزاع دریای خزر، رقابت‌های ژئوپلیتیک و حتی خط لوله‌هایی که در مرزهای شوروی سابق هستند، نمونه‌هایی از درگیری‌های منطقه‌ای محسوب می‌شود. در حالی که مسکو، ج.ا.ایران را به‌عنوان یک رقیب احتمالی بر سر مسائل ژئوپلیتیک در مناطق جنوبی می‌داند، در عین حال از ج.ا.ایران انتظار دارد که با توجه به همکاری‌های دهه ۹۰ بین دو کشور، حافظ نظم و ثبات در این منطقه باشد و عامل بی‌نظمی ناشی از سیاست‌های خارجی ایدئولوژی زده نباشد؛ همچنین پوتین که به‌دنبال تقویت روابط با کشورهای آسیای میانه و قفقاز بود، از تأثیر اقتصادی و سیاسی ج.ا.ایران بر این کشورها بیم داشت؛ زیرا ج.ا.ایران تمایل داشت که این کشورهای تازه به استقلال رسیده، از حوزه روسیه مستقل شوند. (شکیبی، ۱۳۹۵)

۴-۱-۳. ژئوپلیتیک غرب آسیا

زمانی که پوتین در سال ۲۰۰۰ به ریاست جمهوری رسید، سیاست خارجی روسیه را مرکزیت بخشید و هرج و مرج زمان یلتسین را کاهش داد. در آن دوران بود که روسیه پذیرفت ج.ا.ایران یکی از قدرت‌های کلیدی منطقه خلیج فارس و آسیای مرکزی است. چنین تصور می‌شد که ج.ا.ایران با چنین قدرت اقتصادی و داشتن ظرفیت‌های بالای نیروی

کار تحصیل کرده و همچنین سیاست‌های داخلی و خارجی دوران محمد خاتمی، رئیس جمهور پیشین ج.ا.ایران، نه تنها به قدرت منطقه تبدیل می‌شود بلکه به عنوان یکی از اعضای مهم جامعه بین‌المللی، نقش تعیین‌کننده‌ای در برقراری ثبات در غرب آسیا و محدود کردن نفوذ آمریکا در منطقه ایفا خواهد کرد. با تغییر در سیاست خارجی ج.ا.ایران و سقوط صدام و به دنبال آن انزوای ج.ا.ایران، مسکو فرصت ژئوپلیتیک جدیدی در ج.ا.ایران به دست آورد. پس از ریاست جمهوری خاتمی، ولادیمیر پوتین همچنان ج.ا.ایران را به عنوان یک شریک در راستای مقابله با نفوذ آمریکا در منطقه می‌دانست و راهی برای گسترش حضور خود در غرب آسیا برمی‌شمرد. (شکیبی، ۱۳۹۵)

۴-۱-۴. ایدئولوژی‌های دولت‌ها

به سختی می‌توان منکر این حقیقت بود که ایدئولوژی یک کشور در کیفیت روابط آن کشور با کشورهای دیگر ایفای نقش می‌کند. این به آن معنا نیست که کشورها با ایدئولوژی‌های مختلف نمی‌توانند روابط سیاسی و اقتصادی داشته باشند. برای مثال، روابط آمریکا با عربستان و مصر نمونه‌ای از ارجحیت دادن به مسائل ژئوپلیتیک و اقتصادی در برابر مخالفت‌های ایدئولوژیک است. با این حال در مورد ج.ا.ایران و روسیه، مسائل ایدئولوژیک بین دو کشور نباید نادیده گرفته شود. روسیه بعد از سقوط شوروی، که بیشتر سیاست‌های آن در چارچوب ایدئولوژی تعریف می‌شد، به یکی از کشورهای بدون ایدئولوژی تبدیل شد. در روسیه دیگر بحث بر ایدئولوژی و برپا کردن یک آرمان شهر نیست، بلکه به ویژه در دوره آقای پوتین، فقط منافع کشور حرف اول را می‌زند. جهان‌بینی روسیه در دوره پوتین معطوف به منافع مالی و اقتصادی در یک دنیای چندقطبی است. جهان ایدئولوژیک در مرحله اول به این دلیل مهم است که بر اقتصاد و مسائل مالی اثر می‌گذارد. از طریق همین منافع مالی و اقتصادی است که روسیه سعی دارد خود را به عنوان یک قدرت جهانی بازتأسیس کند؛ بنابراین دیگر داشتن سلاح‌های هسته‌ای و ارتش گسترده بدون پشتوانه منافع مالی و اقتصادی نمی‌تواند در عرصه قدرت‌های جهانی کارساز باشد. در طول دوران ریاست جمهوری پوتین، دولت روسیه به یک نوع شرکت روسی تبدیل شد

که در آن دیوانسالاران و وزیران با شرکت‌های خصوصی روابط تجاری و اقتصادی دارند؛ بنابراین سیاست خارجی روسیه بیشتر بر اساس منافع مالی و اقتصادی شکل می‌گیرد. برای مثال، در دوران شوروی، مسکو گاز و نفت را با یارانه‌های زیاد به کشورهای مجاور خود و اروپای شرقی می‌فروخت. این امر، به‌عنوان روشی کارآمد برای حفظ این کشورها در قلمرو شوروی به‌شمار می‌رفت. امروز، بین پایان دادن به یارانه‌های گاز و نفت و حفظ این کشورها در قلمرو سیاسی مسکو، منافع مالی حرف اول را می‌زند. در دوره پوتین، همین مسئله مطرح بود و طبقه حاکم به این نتیجه رسیدند که دیگر نباید گاز و نفت را به کشورهای دوست فروخت؛ چرا که منفعت اقتصادی ندارد. در دوره شوروی منافع ژئوپلیتیک مهم‌تر بود اما در دوره پوتین این مسئله عوض شد. روسیه، پس از سقوط شوروی، ج.ا.ایران را به‌عنوان یک نیروی پایدار در منطقه قفقاز و آسیای میانه می‌دانست. همکاری این دو کشور در دهه ۹۰، سیاستمداران روسی را به این باور رساند که سیاست خارجی ج.ا.ایران واقع‌گرا و عمل‌گرا شده و ج.ا.ایران می‌تواند یک شریک قابل اعتماد باشد. این در زمانی بود که روسیه از نظر سیاسی، اقتصادی و نظامی ضعیف شده بود و به یک شریک ژئوپلیتیک نیاز داشت تا مرزهای جنوبی‌اش را حفظ کند و حاضر باشد که با پول نقد سلاح بخرد. (شکیبی، ۱۳۹۵)

۴-۱-۵. روابط تجاری ج.ا.ایران و روسیه

تهران و مسکو با وجود تعاملات زیاد سیاسی، مبادلات تجاری نیز دارد، اما تبادلات تجاری دوجانبه درصد اندکی از تجارت خارجی آنها را شامل می‌شود. اقلام عمده صادراتی ج.ا.ایران به روسیه را میوه‌جات، خشکبار، سبزیجات، پسته و انگور خشک شامل می‌شود و عمده‌ترین محصولات وارداتی از روسیه نیز غلات، چوب، کاغذ، ماشین‌آلات و فلزات هستند. یکی از موانع عمده برای فعال کردن ظرفیت‌های موجود در تجارت دو کشور، مسائل سیاسی از جمله تحریم‌ها علیه ج.ا.ایران بود که دو طرف در تلاش‌اند با توجه به توافق هسته‌ای ایران، حجم مبادلات را افزایش دهند. اعمال تحریم‌های غرب علیه روسیه در سال ۲۰۱۴ و ادامه آنها در سال ۲۰۱۵، در کنار ایجاد برخی مشکلات،

فرصت‌های جدیدی برای تجارت دوجانبه میان مسکو و تهران به وجود آورده است. با وجود تحریم‌ها، دو طرف بر افزایش سطح تبادلات تجاری تأکید کرده‌اند که براساس آن، افزون بر حوزه‌های انرژی و کشاورزی که طرفین هم‌اکنون در آن مشغول مبادلات هستند، قرار است در حوزه فنی از جمله ساخت و نوسازی نیروگاه‌های جدید نیز همکاری‌های تازه‌ای پیگیری شود. آمار و شاخص‌های اصلی تجارت ج.ا.ایران و روسیه و جایگاه تهران در تجارت خارجی مسکو در جدول‌های شماره (۲) و (۳) قابل بررسی است. (بانک اطلاعات اقتصادی ج.ا.ایران و روسیه، ۲۰۱۵)

جدول شماره (۲) صادرات کالای غیرنفتی ج.ا.ایران به روسیه (۱۳۹۴)

کشور	رتبه	عمده کالاهای صادراتی	ارزش (دلار)
روسیه	۱۹	خیار و خیارترشی / پره‌های ثابت و متحرک داغ توربین گازی / کلم / سیمان سفید / پسته‌ها با پوست تازه یا خشک / تیزابی بی‌دا / نه / کیوی / رب گوجه‌فرنگی / آب سیب / رادیاتورها / خرما / سیر و ...	۱۷۳,۵۱۴,۷۶۱

اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی تهران، ۱۳۹۴

جدول شماره (۳) واردات کالای غیرنفتی ج.ا.ایران از روسیه (۱۳۹۴)

کشور	رتبه	عمده کالای وارداتی	ارزش (دلار)
روسیه	۱۲	دانه به جز گندم دامی / جو / چوب / روغن دانه آفتابگردان / ذرت دامی / کاغذ روزنامه / محصولات از آهن و فولاد / الکترودهای زغالی / وسایل نقلیه هیبریدی / خمیرچوب / شیمیایی / سیگار / مکمل‌های دارویی و ...	۵۱۷,۳۹۳,۱۷۸

اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی تهران، ۱۳۹۴

۴-۲. ج.ا.ایران و چین

چین با مساحت ۹،۵۹۶،۹۶۰ کیلومتر مربع چهارمین کشور جهان به لحاظ وسعت می‌باشد. بیشترین جمعیت جهان بر اساس آمار سال ۲۰۱۵ یعنی ۱،۳۵۷،۳۸۰،۰۰۰ نفر در چین قرار دارد. قدرت در چین توسط حزب کمونیست رهبری می‌شود. نظام اقتدارگرایانه‌ای که بر بیش از یک میلیارد نفر از جمعیت جهان حکومت می‌کند. در خلال دو دهه گذشته، هر چند چین به موفقیت‌های اقتصادی بسیاری دست یافته، اما از مقطع ورود چین به حوزه اصلاحات و سیاست درهای باز در سال ۱۹۷۸، رشد اقتصادی این کشور یکی از سریع‌ترین نرخ‌های رشد در مقیاس جهانی بوده است. پیامد طبیعی این نرخ رشد سریع، افزایش نقش و وزن چین در اقتصاد جهانی بود؛ به گونه‌ای که در سال ۱۹۷۸ تولید ناخالص داخلی این کشور بالغ بر ۲۱۵ میلیارد دلار، حجم تجارت آن حدود ۲۰ میلیارد دلار و سهم آن در تولید ناخالص جهانی کمتر از یک درصد بود. در وضعیت فعلی (۲۰۱۵) تولید ناخالص داخلی این کشور بیش از ۱۱ تریلیون دلار است. این رشد سریع اقتصادی، آثار خود را بر روابط چین و آمریکا گذاشته و خواهد گذاشت. (IMF, 2015)

در دسامبر ۲۰۰۵ اعلام شد که چین جایگزین ایالات متحده به‌عنوان بزرگترین صادرکننده کالاهای فناورانه در جهان گردیده است. در ژانویه ۲۰۰۶، تولید ناخالص داخلی چین از تولید ناخالص فرانسه و بریتانیا فراتر رفت و چین را در مقام چهارمین اقتصاد جهان قرار داد و هم اکنون به دومین اقتصاد دنیا تبدیل شده و تا سال ۲۰۵۰ تنها رقیب جدی خود یعنی ایالات متحده را پشت سر خواهد گذاشت و به بزرگ‌ترین اقتصاد دنیا تبدیل خواهد شد. (پی، ۱۳۹۳)

با روی کار آمدن دولت جدید در ج.ا.ایران و مذاکره هسته‌ای ج.ا.ایران، منجر به مشروعیت بخشی به رابطه بین‌المللی ج.ا.ایران و چین شد. اساساً چین، ج.ا.ایران را نه تنها برای حفظ جریان عبور آزاد نفت از خلیج فارس، بلکه به‌عنوان گره‌گشای آینده

امنیت انرژی مسیر جاده ابریشم می‌داند؛ تنگه مالاکا^۱ یکی از مهم‌ترین گذرگاه‌های دریایی جهان به حساب می‌آید که روزانه بیش از ۱۵ میلیون بشکه نفت از آن عبور می‌کند. بخش عمده نفت خلیج فارس برای بازار کشورهای آسیایی و چین از این تنگه عبور کرده و به دست مشتریان آن می‌رسد. از سوی دیگر، بخش عمده‌ای از صادرات چین نیز از طریق این آبراه راهبردی به مناطق دیگر دنیا حمل می‌شود. نظر به حضور و تسلط ناوهای آمریکایی در تمامی مسیر این تنگه و در شرایط وقوع بحران احتمالی میان چین و آمریکا در آینده، خط لوله ج.ا.ایران - پاکستان و همچنین اتصال ج.ا.ایران به خطوط گازی ترکمنستان به سمت چین، ناجی تنگنای منافع حیاتی پکن بوده و می‌تواند این تنگه را دور بزند. (اقتصاد نیوز، ۱۳۹۵/۹/۱۶)

چین قصد دارد ضمن افزایش سرمایه‌گذاری در بخش نفت و گاز، میزان واردات نفت از ج.ا.ایران را از ۵۵۰ هزار بشکه به میزان قابل توجهی افزایش دهد. از سوی دیگر، ارزش مبادلات تجاری نفتی و غیرنفتی دو کشور به شکل بی‌سابقه‌ای از مرز ۵۰ میلیارد دلار گذشته و برای ۲۰۰ میلیارد دلار تا دو دهه دیگر هدف‌گذاری شده است. چین تلاش زیادی دارد تا به سمت غرب و اوراسیا حرکت کند و در این راستا طرح‌های کلان اقتصادی که چشم‌اندازی بین‌المللی در سیاست خارجی این کشور دارد، دنبال می‌کند. از جمله می‌توان ایده بانک زیرساختی سرمایه‌گذاری آسیایی و احیای جاده ابریشم را نام برد؛ در چنین شرایطی، توسعه روابط تجاری، اقتصادی و سیاسی با چین افزون بر اینکه اهمیت راهبردی و ژئوپلیتیکی برای ج.ا.ایران دارد، کشور در مسیر حمل و نقل کالاهای چین به کشورهای دیگر قرار می‌گیرد و اهمیت ژئوپلیتیک ج.ا.ایران با مدیریت درست سیاست خارجی می‌تواند تأمین‌کننده منافع راهبردی ج.ا.ایران باشد. (روزنامه ابتکار، ۱۳۹۵/۲/۱)

۴-۲-۱. اهمیت چین در راهبرد ج.ا.ایران

به اذعان رویترز، ج.ا.ایران و چین دارای مناسبات نزدیک دیپلماتیک، تجاری و اقتصادی هستند، «وانگ یی»^۱ وزیر امور خارجه چین از جمله کسانی بود که به پیشبرد توافق وین میان ج.ا.ایران و آمریکا کمک زیادی کرد. چین سال‌هاست که با تحریم‌های یکجانبه علیه ایران مخالفت می‌ورزد و اکنون با توجه به گشوده شدن بازار ج.ا.ایران و هجوم شرکت‌های اروپایی به ج.ا.ایران، بیشتر از هر زمان دیگر خود را علاقه‌مند به توسعه روابط با ج.ا.ایران می‌بیند. چین در سخت‌ترین دوران به ج.ا.ایران پشت نکرد و ج.ا.ایران هرگز راه توسعه روابط با چین را رها نخواهد کرد. گسترش روابط با چین و مشارکت در تکمیل جاده ابریشم و اتحادیه‌های چندگانه در آسیا، نقش مهمی در راهبرد آینده ج.ا.ایران ایفا خواهد کرد، همکاری نزدیک با آسیا و به‌ویژه چین در آینده که قرن آسیا نیز نامیده می‌شود، توانایی تحریم‌های غرب علیه ج.ا.ایران را ناکارآمدتر از گذشته می‌کند. اکنون با شکل‌گیری برجام، راهی تازه برای گسترش مبادلات دو کشور گشوده شده است. (رحیم پور، ۱۳۹۵)

۴-۲-۲. روابط تجاری ج.ا.ایران و چین

چینی‌ها برای خود یک قدرت بزرگ هستند و در دوران تحریم نیز شریک اول تجاری ج.ا.ایران بودند و در دوره پساتحریم، این رابطه تقویت خواهد شد؛ چرا که پیوستگی‌هایی بین چین و ج.ا.ایران وجود دارد و برای قدرت‌های مهم دنیا، منافع مشترک حرف اول را می‌زند. (رحیم پور، ۱۳۹۵) در جدول زیر مهم‌ترین اقلام و میزان تجارت بین ج.ا.ایران و چین در کالاهای غیرنفتی قابل مشاهده است.

جدول شماره (۴) صادرات کالای غیرنفتی ج.ا.ایران به چین (۱۳۹۴)

کشور	رتبه	عمده کالاهای صادراتی	ارزش (دلار)
چین	۱	پروپان مایع شده/ بوتان مایع شده/ پلی اتیلن گرید/ متانول/ پلی اتیلن گرید/ سنگ آهن/ پارا اکسیلن/ گل گوگرد/	۷,۲۲۸,۱۳۶,۰۹۰

آلومینیوم / سنگ های مرمر / سنگ مس /سنگ کروم / سنگ روی / زعفران / سگ ماهی ها و کوسه ها / موم های مصنوعی / مغز پسته / خرما مضافتی و ...		
---	--	--

اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی تهران، ۱۳۹۴

جدول شماره (۵) واردات کالای غیر نفتی ج.ا.ایران از چین (۱۳۹۴)

کشور	رتبه	عمده کالای وارداتی	ارزش (دلار)
چین	۱	قطعات منفصله جهت تولید خودروی سواری / ماشین آلات و دستگاه‌های به هم فشردن، شکل دادن یا قالب‌گیری سوخت‌های معدنی جامد، خمیرهای سرامیکی و سایر محصولات معدنی، ماشین‌های درست کردن قالب‌های ریخته‌گری از ماسه / محصولات از فولادهای ممزوج تخت / دستگاه تهویه مطبوع دوتکه / بوژی محرک و بوژی راهنمای لکوموتیوهای راه آهن / سوئیچ شبکه رایانه، روتر شبکه رایانه، هاب شبکه رایانه / دانه آفتابگردان و ...	۱۰,۴۴۹,۹۶۶,۲۱۸

اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی تهران، ۱۳۹۴

۴-۲-۳. نقش انرژی در روابط ج.ا.ایران و چین

وضعیت انرژی چین نشان می‌دهد که از یکسوی تقاضای انرژی در این کشور، به تبع رشد اقتصادی آن به شدت در حال افزایش می‌باشد. با توجه به رشد بالای اقتصادی چین در این سال‌ها، به تبع آن مصرف بالای انرژی در این کشور وجود دارد و این میزان انرژی مزاد بیشتر باید از منابع خارجی تأمین شود. به همین علت چین در راستای راهبرد امنیت انرژی خود در خلال دهه ۱۹۸۰، سه شرکت بزرگ نفتی را تشکیل داد. این شرکت در طول یک دهه در صنایع نفت و گاز کشورهای مختلف از جمله کانادا، ونزوئلا، قزاقستان، عراق و سودان سرمایه‌گذاری نموده‌اند. (A.Khan,2008)

اما اصلی‌ترین منطقه تأمین انرژی چین از دیدگاه چینی‌ها منطقه غرب آسیا به‌ویژه حوزه خلیج فارس می‌باشد. به‌واسطه تحریم‌های اعمال شده علیه ایران در این مدت، حجم صادرات نفت خام ایران به چین تا قبل از توافق هسته‌ای با حدود ۲۰ هزار بشکه کاهش نسبت به سال ۲۰۱۱ به میانگین ۵۳۵ هزار بشکه در روز رسید. در سال ۲۰۱۵، واردات نفت خام چین با ۳۲ درصد افزایش به میانگین ۶ میلیون و ۷۴۰ هزار بشکه در روز رسید. در این فاصله، کشورهای منطقه غرب آسیا با وجود رقبای مهمی چون روسیه و دیگر صادرکنندگان غیر اوپکی، توانستند سهم خود در بازار نفت چین را حفظ کرده و صادرات خود به این کشور را به روزانه سه میلیون و ۴۱۰ هزار بشکه در روز (بیش از ۵۰ درصد) افزایش دهند. حضور همه جانبه ایالات متحده آمریکا در منطقه غرب آسیا جهت واپایش و سیطره بر اصلی‌ترین منطقه تأمین‌کننده انرژی دنیا، بر وابستگی چین به منابع انرژی منطقه غرب آسیا و همچنین سرمایه‌گذاری این کشور در این منطقه اثر گذاشته است. (شبکه اطلاع رسانی نفت و انرژی شانا، ۱۳۹۵)

تحلیگران امنیت انرژی چین معتقدند که این کشور در آینده بر سر منابع نفتی غرب آسیا با آمریکا و متحدانش وارد رقابت جدی خواهد شد. آنها این موضوع را نیز درک می‌کنند که واپایش نفت غرب آسیا تا اندازه زیادی در اختیار آمریکاست و ژاپن و اروپا نیز به عنوان شرکای آن، واردکنندگان مهم نفت این منطقه هستند. این دو در ترکیب با یکدیگر، وضعیت سختی را برای چین ایجاد می‌کند؛ زیرا این کشور مجبور به مبارزه در صحنه‌ای است که ابزار متناسب با آن یعنی نفوذ را ندارد. به همین دلیل از دیدگاه چینی‌ها، ج.ا.ایران می‌تواند از اصلی‌ترین تأمین‌کنندگان امنیت انرژی این کشور در منطقه غرب آسیا باشد. یکی از دلایلی که ج.ا.ایران مورد توجه آنهاست، اینکه ایران کشوری است که در زیر نفوذ کشورهای غربی و به‌ویژه آمریکا قرار ندارد. (ملکی، ۱۳۹۱:۱۱).

از آنجایی که چین یکی از بازارهای بزرگ مصرف دنیاست و ایران یکی از بزرگ‌ترین تولیدکنندگان انرژی در جهان محسوب می‌شود، چین یک بازار قابل اتکا برای ج.ا.ایران و ج.ا.ایران نیز با توجه به ذخایر بزرگ نفت و گاز یک تأمین‌کننده قابل اتکا برای چین

محسوب می‌شوند. از نظر دو طرف امنیت انرژی و امنیت تولید و عرضه آن بسیار مهم است. (وردی نژاد، ۱۳۹۲: ۲۰-۲۱)

ج.ا.ایران اکنون مرکز ثقل مهمی در ساختار امنیت انرژی چین محسوب می‌شود. چین دومین واردکننده بزرگ نفت از ج.ا.ایران، در آسیا به شمار می‌رود. ج.ا.ایران ابتدا در سال ۲۰۰۵ در رتبه سوم از نظر کشورهای صادرکننده نفت به چین بود و تنها ۱۴ درصد از نیازهای وارداتی نفت چین را تأمین می‌کرد، اما بعد از امضای توافقنامه‌های سال‌های اخیر میان دو کشور، ج.ا.ایران به یکی از بزرگ‌ترین صادرکنندگان نفت به چین مبدل گردیده است. چین برای توسعه خود، نیاز به انرژی تمیز نیز دارد و این انرژی تمیز تا اندازه‌ی زیادی در گرو مصرف گاز است که ایران یکی از بزرگ‌ترین تولیدکنندگان گاز در جهان است. در این راستا شرکت ملی نفت چین با امضای قراردادی، قصد مشارکت و سرمایه‌گذاری در یکی از فازهای پارس جنوبی را دارد. (www.petronew.ir)

۳-۴. ج.ا.ایران و هندوستان

جمهوری هندوستان ۳،۲۸۷،۲۶۳ کیلومتر مربع وسعت دارد. جمعیت آن ۱،۲۵۲،۱۳۹،۰۰۰ نفر در سال ۲۰۱۵ اعلام گردیده که دومین کشور پرجمعیت دنیا پس از چین به‌شمار می‌آید. و میزان تولید ناخالص داخلی آن ۲/۱۸۳ تریلیون دلار و رتبه هفتم جهان در سال ۲۰۱۵ گزارش شده است. (IMF, 2015)

روابط رسمی ج.ا.ایران و هند پس از استقلال این کشور از استعمار انگلیس در سال ۱۹۴۷ میلادی برقرار شد. استعمار انگلیس آسیب‌های فراوانی به پیوندهای فرهنگی ج.ا.ایران و هند برجای گذاشت. اولین حرکت برای آغاز روابط سیاسی در سال ۱۹۴۷ میلادی با شرکت هیئت ایرانی در اجلاسی در هند، علاقه‌مندی برای برقراری رابطه با کشور تازه استقلال یافته صورت گرفت. در اسفند ۱۳۲۸ شمسی قرارداد رسمی دوستی بین دولت ج.ا.ایران و هند انعقاد یافت؛ این عهدنامه ضمن تأکید بر دوستی و صلح، راه‌های رفع اختلاف بین دو کشور را پیش‌بینی کرد. بر این اساس دو کشور موافقت کردند که

کنسولگری‌هایی در دو کشور تأسیس و به دنبال آن قراردادهایی در زمینه بازرگانی، گمرک، کشتیرانی، هواپیمایی، فرهنگی، استرداد مجرمان و همکاری‌های قضایی امضا کردند. بعد از سقوط رژیم شاه، هند از جمله کشورهایی بود که در اندک زمانی، انقلاب اسلامی را به رسمیت شناخت. سفر نخست وزیر هند به ج.ا.ایران در خرداد سال ۱۳۹۵ را باید نقطه عطفی در توسعه روابط دو کشور بعد از دوران تحریم محسوب کرد. در این سفر توافقنامه حمل و نقل سه جانبه بین ج.ا.ایران، هند و افغانستان و طرح توسعه بندر چابهار به امضا رسید. (خبر آنلاین، ۱۳۹۵/۹/۱۲)

مدت زیادی است که ج.ا.ایران، دسترسی خود از راه خشکی و دریا به افغانستان، آسیای مرکزی و حتی تا هند را توسعه داده است. از آنجایی که حمل و نقل کالا از طریق پاکستان، یک گزینه مناسب برای هند به شمار نمی‌رود، هندی‌ها برای ایجاد یک مسیر تجاری جایگزین به منطقه، بسیار مشتاق هستند. در عین حال، مسیر راهبردی دیگر، دالان بین‌المللی حمل و نقل شمال به جنوب است که توسط هند، ج.ا.ایران، عمان و روسیه برای اتصال مسیرهای تجاری از اقیانوس هند به اروپا و روسیه، و راه ج.ا.ایران، آسیای مرکزی و قفقاز، توسعه پیدا کرده است. (نریان کاتی، ۲۰۱۴)

۴-۳-۱. همکاری در زمینه انرژی

بررسی روند تولید و مصرف انرژی در هند مبین این واقعیت است که در آینده نزدیک بین میزان مصرف و تولید نفت خام و گاز طبیعی این کشور شکاف عمیقی در حال ایجاد شدن می‌باشد و هند ناچار است برای تداوم رشد اقتصادی خود این شکاف را با واردات این فرآورده‌ها جبران نماید. (صفوی، ۱۳۹۳)

نیاز رو به فزاینده هند به واردات نفت خام و گاز طبیعی، فرصت بسیار مناسبی را در اختیار تولیدکنندگان نفت خام، گاز طبیعی جهان قرار خواهد داد. در این میان ج.ا.ایران به دلیل داشتن منابع غنی نفت و گاز و همچنین نزدیکی ژئوپلیتیکی با هند، ظرفیت تبدیل شدن به یک شریک انرژی مطمئن برای این کشور را دارد و در حال حاضر، یکی از مهم‌ترین زمینه‌های همکاری دو کشور ایران و هند، همکاری‌های انرژی و به‌ویژه همکاری در زمینه

نفت خام و گاز می‌باشد. در مجموع می‌توان چنین عنوان نمود که همکاری‌های انرژی ج.ا.ایران و هند به‌ویژه در بخش نفت و گاز، در واقع وسیع‌ترین حوزه هم‌تکمیلی اقتصادی ج.ا.ایران و هند است. ج.ا.ایران برای تأمین منابع مالی برنامه‌های توسعه ملی، نیاز به یافتن بازارهای قابل اتکا و مناسب برای منافع نفت و به ویژه گاز خود دارد. هند نیز یکی از بزرگ‌ترین مصرف‌کنندگان انرژی در جهان است، از این رو، رابطه با ج.ا.ایران برایش اهمیت بسیار بالایی دارد، اما از سویی به دلیل حجم بالای مبادلات تجاریش با ایالات متحده در مقایسه با ج.ا.ایران، همواره سیاستی زیرکانه اتخاذ کرده که نمونه آن سیاست‌های این کشور در قبال برنامه هسته‌ای ایران از یک سو و خط لوله صلح و خرید گاز از ج.ا.ایران، از سوی دیگر است، که به شدت تحت تأثیر فشارهای آمریکا بود.

ج.ا.ایران و هند به واسطه روابط فرهنگی چند صدساله، در سالیان گذشته و پس از پیروزی انقلاب اسلامی، از روابط رو به رشدی برخوردار بوده‌اند؛ هر چند که این روابط در دوران تحریم‌ها به واسطه مشکلاتی که بوجود آمد در بخش‌هایی کاهش یافت. هند در زمان تحریم با وجود فشار کشورهای غربی، همچنان جایگاه خود را به‌عنوان دومین خریدار نفت ج.ا.ایران حفظ کرد. رشد اقتصادی بالای هفت درصد، جمعیت یک میلیارد و ۲۵۰ میلیون نفری و نداشتن منابع قابل اتکای انرژی، باعث علاقه این کشور برای توسعه روابط با ج.ا.ایران گردیده است. ج.ا.ایران به دلیل داشتن ذخایر گاز فراوان و نزدیکی جغرافیایی به هند، همواره نقش تأمین انرژی این کشور را داشته، به گونه‌ای که پس از رفع تحریم‌ها، میزان صادرات نفت ج.ا.ایران به هند به رقم بی‌سابقه حدود ۸۰۰ هزار بشکه در روز افزایش یافت. (بایگه اطلاع رسانی دولت، ۱۳۹۵)

۴-۳-۲. تعامل در آسیای مرکزی

آسیای میانه از جمله مناطقی است که مورد توجه هر دو کشور ج.ا.ایران و هند می‌باشد. قبل از فروپاشی شوروی، روابط هند با آسیای مرکزی از طریق مسکو صورت می‌پذیرفت، اما پس از فروپاشی شوروی، ج.ا.ایران به دروازه ورود هند به این کشورها تبدیل شد؛ چنانکه هند از طریق ج.ا.ایران روابط اقتصادی، فناورانه و فرهنگی خود را با آنها برقرار

می‌سازد. راه حمل و نقل ج.ا.ایران جهت تسهیل دسترسی هند به آسیای مرکزی به‌نفع ج.ا.ایران نیز خواهد بود؛ به‌ویژه اینکه بتواند به توسعه زیرساخت‌های حمل و نقلی و دریایی منجر شود. در این خصوص گام‌های مهمی توسط دو طرف برداشته شده است. در سال ۱۹۹۵ موافقتنامه‌ای میان ج.ا.ایران-ترکمنستان و هند جهت ایجاد دالان حمل و نقلی که آسیای مرکزی را به هند متصل کند، به امضا رسید که طبق آن، این دالان از طریق راه‌های شوسه و شبکه ریلی ج.ا.ایران، آسیای مرکزی را به بندر امام خمینی متصل می‌کند و موجب دسترسی کالاهای هندی به آسیای مرکزی و افغانستان می‌گردد؛ همچنین هند موافقت نموده تا در طرح توسعه بندر چابهار مشارکت نموده و در اتصال این بندر به راه آهن (که در نهایت اتصال به اروپا و آسیای مرکزی را فراهم می‌سازد) مساعدت نماید. بخش دیگر همکاری اقتصادی ج.ا.ایران و هند دالان حمل و نقل شمال-جنوب است. این دالان حاصل توافق سه کشور ج.ا.ایران، هند و روسیه در سال ۲۰۰۰ است که طبق آن بمبئی از طریق بندرعبارس به سن پترزبورگ روسیه متصل می‌گردد و در نتیجه آن، اقیانوس هند به دریای بالتیک و اروپا متصل خواهد شد. این دالان نه تنها موجب افزایش حجم تجاری هند با ج.ا.ایران و آسیای مرکزی می‌شود، بلکه موجب صرفه‌جویی در زمان و هزینه جهت حمل و نقل کالاهای هندی به منطقه گردیده و در نهایت قدرت و رقابت اقتصادی هند را در بازار منطقه افزایش خواهد داد. (مجله الکترونیکی ویستا، ۱۳۹۵)

۳-۳-۴. روابط سیاسی و دیپلماتیک

پس از انقلاب ج.ا.ایران و تحریم‌های صورت گرفته علیه آن از طرف ایالات متحده، ارتباط با کشوری همچون هند برای ج.ا.ایران حائز اهمیت بوده است. هر چند که هند به دلیل منافع ملی خود دارای روابط گسترده‌ای با کشورهای آمریکا، اتحادیه اروپا و کشورهای جنوب شرق و شمال آسیاست، اما تلاش می‌کند تا در راستای ایجاد توازن قدرت در پاکستان، با کشورهای مسلمان از جمله ایران روابط خوبی برقرار نماید و این ارتباط اعتباری برای هند محسوب می‌شود. همچنین ج.ا.ایران در سازمان کنفرانس اسلامی به‌عنوان یک عضو صاحب نفوذ می‌تواند برای تأمین امنیت هند نقش

مهمی را ایفا نماید. هند نیز به رابطه خوب و مسالمت آمیز با ج.ا.ایران، جهت ملاحظات سیاسی داخلی خود نیازمند است. این رابطه موجبات رضایت شمار زیادی از مسلمانان در حال افزایش هندی را فراهم می‌آورد که این امر برای هندی‌ها بسیار حائز اهمیت است. (مجله الکترونیکی ویستا، ۱۳۹۵)

۴-۳-۴. مبادلات تجاری ج.ا.ایران و هند

با توجه به تغییرات چشمگیر در فناوری اطلاعات، هند به‌عنوان گزینه جایگزین فناورانه کشورهای غربی برای ج.ا.ایران مطرح گردید. همچنین هند می‌تواند به‌عنوان منبع مناسبی برای کالاهای صنعتی و سرمایه‌گذاری خارجی نیز مورد توجه ج.ا.ایران قرار گیرد. هند ظرفیت‌ها و توانایی‌های فراوانی برای ایجاد زیرساخت‌هایی همچون حمل و نقل دریایی در بخش‌های تولید انبوه در اقتصاد ج.ا.ایران را داراست و این کشور بازار بزرگی را برای کالاهای ایرانی در خود به‌وجود آورده است. از طرف دیگر هند نیز در این رابطه دارای منافعی می‌باشد. جمعیت ۸۰ میلیونی ج.ا.ایران، بازار صادراتی پررونقی را برای هند به ارمغان آورده است. پیشرفت‌های فناورانه سال‌های اخیر که در هند به‌وقوع پیوسته است، این کشور را به‌عنوان گزینه‌ای جذاب و جالب برای ج.ا.ایران مطرح نموده است. اهمیت نزدیکی بیشتر دو کشور در این رابطه دوجانبه را پیمان‌های تهران و دهلی که درخصوص فناوری اطلاعات و همکاری‌های مشترک در زمینه‌های فناورانه به امضا رسیده‌اند، بیشتر نمایان می‌سازد.

مقامات بازرگانی و گمرک هند، حجم تجارت ج.ا.ایران و هند در سال مالی ۲۰۱۴-۲۰۱۵ را ۱۳ میلیارد و ۱۳۰ میلیون دلار اعلام کرده‌اند که ۹ میلیارد دلار از این مبلغ مربوط به صادرات ج.ا.ایران و بقیه مربوط به صادرات هند به ج.ا.ایران می‌شود. بر اساس این گزارش ۶/۵ میلیارد دلار از صادرات ج.ا.ایران مربوط به نفت و بقیه صادرات غیرنفتی می‌شود. میزان مبادلات ج.ا.ایران و هند در سال مالی ۲۰۱۵-۲۰۱۶ به هشت میلیارد و ۲۹۹ میلیون دلار رسید که پنج میلیارد و ۶۷۴ میلیون دلار مربوط به صادرات ج.ا.ایران و بقیه صادرات هند به ج.ا.ایران را تشکیل داده است. کارشناسان، مهم‌ترین دلیل کاهش حجم

مبادلات تجاری بین ج.ا.ایران و هند در سال گذشته را کاهش شدید قیمت نفت می‌دانند. براساس آمار و اطلاعات وزارت بازرگانی هند، هم اکنون روزانه بیش از ۷۰۰ هزار بشکه نفت ج.ا.ایران به هند صادر می‌شود که تقریباً این میزان بیش از خرید نفت این کشور در دوران قبل از تحریم است. مواد شیمیایی ارگانیک و غیرارگانیک و کود شیمیایی (هریک بین ۴۰۰ تا ۶۰۰ میلیون دلار) و مشتقات آن (حدود ۱۰۰ میلیون دلار) از دیگر صادرات ج.ا.ایران به هند بوده است. سرمایه‌گذاری در چابهار از جمله طرح‌هایی است که در دولت یازدهم و بعد از سال‌ها با امضای توافقنامه بین دو کشور در سفر نخست وزیر هند به ج.ا.ایران به بار نشست. طرح توسعه بندر چابهار می‌تواند هزینه حمل و نقل کالا بین هند، آسیای میانه، قفقاز و روسیه را به کمتر از ۴۰ درصد کاهش دهد. این طرح می‌تواند زمینه فعال شدن دالان شمال و جنوب و شرق را برای توسعه ارتباطات منطقه‌ای فراهم کند. (خبرگزاری فارس، ۱۳۹۵/۳/۲)

جدول شماره (۶) صادرات کالای غیرنفتی ج.ا.ایران به هند (۱۳۹۴)

کشور	رتبه	عمده کالاهای صادراتی	ارزش (دلار)
هند	۵	اوره / قیرفت / متانول / آمونیاک / اتیلن گلیکول / آلومینیوم / الکل / روغن پایه معدنی / مغز پسته / خرما مضافتی و ...	۲,۵۲۹,۸۰۰,۲۱۶

اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی تهران، ۱۳۹۴

جدول شماره (۷) واردات کالای غیرنفتی ج.ا.ایران از هند (۱۳۹۴)

کشور	رتبه	عمده کالای وارداتی	ارزش (دلار)
هند	۶	برنج / محصولات تخت نوردشده از فولاد / کنجاله سنگ آهن به هم فشرده شده / چای سیاه / محصولات از آهن و فولاد / مکمل‌های دارویی / الیاف مصنوعی / دانه کنجد و ...	۲,۲۹۶,۲۳۱,۵۸۶

اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی تهران، ۱۳۹۴

۴-۴. ج.ا.ایران و برزیل

برزیل بزرگ‌ترین، مهم‌ترین و قدرتمندترین کشور منطقه آمریکای لاتین محسوب می‌شود. برزیل با وسعت ۸،۵۱۴،۸۷۷ کیلومتر مربع، پنجمین کشور پهناور دنیا محسوب می‌شود. وسعت زیاد برزیل، جمعیت فراوانی را نیز در خود جای داده است. بر طبق آخرین آمار در سال ۲۰۱۵، جمعیت این کشور افزون بر ۲۰۰ میلیون نفر برآورد شده است. (www.cia.gov, 2015)

۴-۴-۱. روابط اقتصادی ج.ا.ایران و برزیل

یکی از مؤلفه‌های بی‌بدیل قدرت، چه در قالب‌های سنتی و چه در مفاهیم نوین آن، اقتصاد است. قدرت اقتصادی یک کشور، سطح برخورداری از منافع جهانی آن کشور را رقم خواهد زد. البته قدرت اقتصادی زمانی که با مؤلفه‌های سیاسی درهم تنیده شود موقعیت چشمگیری را در پی خواهد داشت. مشخصه‌های اصلی قدرت اقتصادی برزیل در سطح منطقه، رشد و توسعه در بخش‌های کشاورزی معادن، خدمات، نیروی کار و جذب سرمایه‌های خارجی است. بر اساس گزارش بانک جهانی، تولید ناخالص داخلی بالغ بر ۱/۸ تریلیون دلاری و قدرت خرید بالا، برزیل را قدرت اول اقتصادی آمریکای لاتین و نهمین اقتصاد جهانی ساخته است. (World Bank, 2015)

روابط ج.ا.ایران و جمهوری فدراتیو برزیل از بدو تأسیس در سال ۱۳۲۲ تاکنون بیشتر از جنبه‌های اقتصادی و تجاری برخوردار بوده است. ج.ا.ایران پیش از انقلاب اسلامی روزانه ۱۲۰ تا ۱۵۰ هزار بشکه نفت خام به برزیل صادر می‌کرد و در مقابل محصولات کشاورزی و مواد خام از این کشور وارد می‌نمود. مروری بر موافقتنامه و تفاهمنامه‌های امضا شده میان مقامات دو کشور در سال‌های اخیر نشان می‌دهد که بهره‌گیری از ظرفیت‌های اقتصادی دو کشور همواره مدنظر دولت‌مردان دو کشور در مقاطع مختلف بوده است. (پایگاه اطلاعاتی سفارت ج.ا.ایران در برزیلیا، ۱۳۹۵)

ج.ا.ایران و برزیل باید از فضای جدیدی که بعد از توافق هسته‌ای به‌وجود آمده، برای تقویت و گسترش روابط خود به خوبی استفاده کنند؛ در این میان شرکت‌های برزیلی

می‌توانند در بخش‌های مختلف عمرانی و بازار سرمایه ج.ا.ایران حضور پیدا کنند؛ چرا که ج.ا.ایران در مرکز یک بازار ۳۰۰ میلیونی در کشورهای همسایه خود می‌تواند منطقه‌ای خوب و فرصتی مناسب برای سرمایه‌گذاری و همکاری‌های مشترک تجاری و اقتصادی باشد. همچنین برزیل در بخش صنعت، صنایع فلزی و معدنی توانمندی‌های خوبی دارد و می‌تواند در این زمینه‌ها در ج.ا.ایران فعالیت کند. روابط ج.ا.ایران و برزیل تنها محدود به حوزه اقتصادی نبوده و دو کشور می‌توانند در زمینه مسائل فرهنگی و سیاسی نیز روابط خوبی با هم داشته باشند، ج.ا.ایران و برزیل در زمینه مسائل منطقه‌ای، امنیت جهانی، مبارزه با تروریسم و مواد مخدر و تقویت جنوب - جنوب می‌توانند همکاری‌های به‌سزایی داشته باشند. (پایگاه اطلاع رسانی ریاست جمهوری، ۱۳۹۵)

ج.ا.ایران به‌عنوان قطب مهم انرژی در منطقه و دارا بودن جوانان تحصیل کرده و نیروی انسانی توانمند، امروز زمینه‌های خوبی برای سرمایه‌گذاری‌های شرکت‌های خارجی در کشور فراهم نموده و پیشرفت‌های قابل توجهی در زمینه‌های گوناگون علمی و فناوری از جمله نانو، زیست‌فناوری و آی‌سی‌تی در ج.ا.ایران به‌دست آمده که در این راستا پارک‌های علم و فناوری ج.ا.ایران می‌توانند با مراکز علمی و فناوری برزیل ارتباط نزدیک‌تری داشته باشند. برزیل در آمریکای لاتین و ج.ا.ایران در غرب آسیا می‌توانند نقطه اتصال و همکاری دو منطقه در بخش‌های مختلف باشند. (همان)

در حال حاضر تجارت دو کشور ج.ا.ایران و برزیل در حوزه محصولات کشاورزی و دامی است و می‌توان روابطشان را در حوزه صدور خدمات فنی و مهندسی گسترش دهند. اقتصاد ج.ا.ایران و برزیل مکمل یکدیگر هستند و قابلیت‌هایی که در دو کشور وجود دارد، زمینه را برای گسترش فعالیت‌ها فراهم می‌کند. شرکت‌های ایرانی و برزیلی می‌توانند در زمینه‌هایی، پروژه مشترک تعریف کنند؛ مانند فعالیت برای تجارت در حوزه نفت و گاز، ساخت پالایشگاه و مجتمع‌های پتروشیمی بسیار بالاست. پروژه ساخت پالایشگاه «مارایان» می‌تواند نقطه شروعی برای همکاری‌های بیشتر دو کشور باشد. رهبر معظم انقلاب و همچنین رئیس‌جمهور تأکید بر توسعه روابط ج.ا.ایران با آمریکای لاتین را دارند. برزیل

یکی از مهم‌ترین کشورهای آمریکای لاتین می‌باشد که علاقه‌مندی جدی از سوی ج.ا.ایران برای توسعه روابط با برزیل وجود دارد. اما یکی از مشکلات ما در روابط دو کشور، مشکلات بانکی ج.ا.ایران و برزیل می‌باشد که باید هرچه سریعتر حل و فصل شود. در جدول شماره (۸) مبادلات تجاری غیرنفتی میان دو کشور ج.ا.ایران و برزیل آمده است (خبرگزاری فارس، ۱۳۹۵/۹/۱۵).

جدول شماره (۸) صادرات کالای غیرنفتی ج.ا.ایران به برزیل (۱۳۹۴)

کشور	رتبه	عمده کالاهای صادراتی	ارزش (دلار)
برزیل	۴۷	اوره/ کف پوش ها/ کائوچو/ ظروف شیشه ای/ انگور بی دانه/ مغز پسته/ فرش/ سنگ مرمر/ آلومینیوم/ زعفران/ گبه از پشم و ...	۲۳,۶۳۳,۰۵۲

اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی تهران، ۱۳۹۴

جدول شماره (۹) واردات کالای غیرنفتی ج.ا.ایران از برزیل (۱۳۹۴)

کشور	رتبه	عمده کالای وارداتی	ارزش (دلار)
برزیل	۱۳	گوشت منجمد گاو/ ذرت دامی/ کنجاله/ روغن خام سویا/ لوبیای سویا/ ماشین آلات و دستگاه‌های به هم فشردن، شکل دادن یا قالب‌گیری سوخت‌های معدنی جامد، خمیرهای سرامیکی و سایر محصولات معدنی، ماشین‌های درست کردن قالب‌های ریخته‌گری از ماسه و ...	۴۵۲,۵۴۱,۶۲۴

اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی تهران، ۱۳۹۴

۴-۵. ج.ا.ایران و آفریقای جنوبی

جمهوری آفریقای جنوبی ۱,۲۱۹,۹۱۲ کیلومتر مربع مساحت دارد و جمعیت آن نزدیک به ۵۶ میلیون نفر در سال ۲۰۱۵ گزارش شده است. از نظر تولید ناخالص ملی با میزان ۳۱۳ میلیارد دلار در رتبه ۳۲ جهان قرار دارد. (IMF, 2015)

۴-۵-۱. روابط سیاسی

با پیروزی انقلاب اسلامی، روابط دو کشور به علت تعارض‌های ایدئولوژیکی نظام ج.ا.ایران با مؤلفه‌های رژیم نژادپرست آفریقای جنوبی و به دلیل حمایت از جنبش‌های آزادی بخش به دستور حضرت امام خمینی (ره) در همه ابعاد سیاسی، اقتصادی قطع شد و در طول دوران آپارتاید در آفریقای جنوبی، دولت سوئیس به‌عنوان حافظ منافع دو کشور تعیین شد و دفتر حفاظت منافع ج.ا.ایران در ژوهانسبورگ زیر نظر نمایندگی سوئیس در آفریقای جنوبی مشغول به کار شد. پس از تغییر نظام سیاسی این کشور و فروپاشی رژیم آپارتاید در دهه ۷۰، بار دیگر روابط عمیق و همه‌جانبه برقرار گردید، به دنبال سفر آقای مک و تو رهبر کنگره پان آفریقایی به تهران در سال ۱۳۶۹ و سفر آقای نلسون ماندلا رهبر کنگره ملی آفریقا در سال ۱۳۷۱ و نیز تغییرات مثبت در آفریقای جنوبی، وزارت امور خارجه ج.ا.ایران در سال ۱۳۷۲، نسبت به برقراری روابط دولت ج.ا.ایران و آفریقای جنوبی اقدام نمود. در سال ۱۳۷۳ در قالب طرح سازمان ملل جهت نظارت بر انتخابات آفریقای جنوبی چهار نفر دیپلمات از وزارت امور خارجه عازم آن کشور شدند و در همان سال پرچم ج.ا.ایران در ژوهانسبورگ برافراشته و به سفارت تبدیل شد و دو کشور به مبادله سفیر اقدام نمودند. مناسبات سیاسی دو کشور بعد از روی کار آمدن اولین رژیم چند نژادی به رهبری نلسون ماندلا در آفریقای جنوبی با شتاب فراینده‌ای توسعه یافته است. تاکنون بیش از ۸۰ سند همکاری در بخش‌های مختلف میان دو کشور به امضا رسیده که اهتمام دو طرف در اجرایی نمودن مفاد اسناد یادشده جدی است. (سازمان توسعه و تجارت، ۱۳۹۴)

۴-۵-۲. روابط تجاری ج.ا.ایران و آفریقای جنوبی

نخستین گامی که در زمینه اقتصادی بین دو کشور برداشته شد، امضای دو قرارداد نفتی قبل از پیروزی انقلاب اسلامی بود. هر دو قرارداد بین شرکت ملی نفت ج.ا.ایران و شرکت ساسول آفریقای جنوبی منعقد گردید. به موجب قرارداد اول، شرکت ملی نفت ایران و شرکت ساسول برای احداث پالایشگاه ناتروف در آفریقای جنوبی به سرمایه‌گذاری مشترک پرداختند. در راستای این قرارداد، یک قرارداد دیگری نیز بین طرفین منعقد گردید، به

موجب قرارداد دوم، شرکت ملی نفت ج.ا.ایران متعهد گردید برای مدت ۱۵ سال ۷۰ درصد نفت مورد نیاز ناتروف را تأمین کند؛ در برابر نفتی که به آفریقای جنوبی صادر می‌گردید، اورانیوم و فولاد وارد کشور می‌شد. پس از پیروزی انقلاب اسلامی و به دنبال تجدید روابط دو کشور در سال ۱۳۷۳، مهم‌ترین سرمایه‌گذاری این کشور در ج.ا.ایران از سوی شرکت نفتی آریا ساسول با ۸۰۰ میلیون دلار و شرکت مخابراتی MTN با ۱/۵ میلیارد دلار می‌باشد. در برنامه‌های کلان وزارتخانه کشور آفریقای جنوبی به‌عنوان یک کشور راهبردی، مهم و اثرگذار در قاره آفریقاست که باید تعاملات تجاری و اقتصادی با آن گسترش یابد. در بخش خدمات نیز ظرفیت‌های فراوانی جهت صادرات خدمات فنی و مهندسی در حوزه راه، ساختمان، احداث نیروگاه و سد به‌صورت شراکت با آفریقای جنوبی و گرفتن کار در کشورهای ثالث وجود دارد. (سازمان توسعه و تجارت، ۱۳۹۴)

جدول شماره (۱۰) صادرات کالای غیرنفتی ج.ا.ایران به آفریقای جنوبی (۱۳۹۴)

کشور	رتبه	عمده کالاهای صادراتی	ارزش (دلار)
آفریقای جنوبی	۴۸	ترانسفورماتورهای دی الکتریک مایع / پلی اتیلن گرید / کف پوش‌ها / فرش / پسته‌ها / خمیرهای غذایی / خرما / استامینوفن پودر و ...	۲۲,۶۲۶,۶۷۷

اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی تهران، ۱۳۹۴

جدول شماره (۱۱) واردات کالای غیرنفتی ج.ا.ایران از آفریقای جنوبی (۱۳۹۴)

کشور	رتبه	عمده کالای وارداتی	ارزش (دلار)
آفریقای جنوبی	۴۶	ماشین‌های جورکردن، غربال کردن و شستن خاک / فرو منگنز / جزاء و قطعات مربوط به ماشین / فرآورده‌های صنایع شیمیایی / عصاره درخت ابریشم / ماشین آلات بلندکننده، جابه‌جا کننده و بارکننده / سنگ کروم و ...	۳۲,۵۸۵,۹۲۴

اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی تهران، ۱۳۹۴

۵. پیامدهای گروه بریکس برای ج.ا.ایران و رویکرد مناسب در قبال آن

در ادامه به هدف اصلی مقاله یعنی شناخت پیامدهای گروه بریکس برای امنیت اقتصادی ج.ا.ایران و کشف راهبرد مناسب تعامل ج.ا.ایران بر اساس آینده پیش روی گروه بریکس با استفاده از پژوهشی که توسط نگارندگان مقاله انجام شده، خواهیم پرداخت. تجزیه و تحلیل یافته‌ها در این پژوهش به دو شکل تحلیل کیفی و کمی انجام شده است. با توجه به هدف تحقیق، سوال‌های طرح شده به صورت مصاحبه به روش دلفی از ۱۰ نفر از سفیران سابق پرسیده شد. در بخش تحلیل کمی، جهت اعتبارسنجی نتایج به دست آمده از مصاحبه‌ها مبتنی بر آنها، پرسشنامه‌ای تدوین شده و در اختیار ۵۰ نفر از اعضای هیئت علمی دانشگاه‌ها، کارشناسان خبره و محققان کارآزموده که با گروه بریکس آشنایی دارند، قرار گرفت. برای تجزیه و تحلیل داده‌های حاصل از پرسشنامه‌ها از نرم افزارهای SPSS استفاده شد. سوال‌های پژوهش با استفاده از آزمون فریدمن مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته شد.

سوال اول: در رابطه با سؤال اول با این عنوان «شکل‌گیری و تقویت گروه بریکس به عنوان یک گروه برتر در اقتصاد جهانی چه فرصت‌ها و تهدیدهای برای امنیت اقتصادی ج.ا.ایران به وجود خواهد آورد؟» با تحلیل مصاحبه‌ها، هشت محور اساسی زیر به عنوان فرصت و تهدید شناسایی گردید:

۱. در حوزه انرژی، سه کشور چین، هند و آفریقای جنوبی متقاضی نفت و برزیل متقاضی پتروشیمی ج.ا.ایران هستند و می‌توانند مشتری مناسبی برای ما باشند.
۲. در حوزه مالی و پولی، بریکس گروه مناسبی است تا از طریق دو بانک توسعه آسیایی و بانک توسعه بریکس، ج.ا.ایران را تأمین مالی کند.
۳. ج.ا.ایران می‌تواند در حوزه اجتماعی و مسائلی همچون فقرزدایی، کاهش بیکاری و اختلاف‌های طبقاتی با بریکس همکاری داشته و پیشرفت‌های را در این زمینه به دست آورد.

۴. سرمایه‌گذاری مشترک بین ج.ا.ایران و گروه بریکس در حوزه‌های مختلف به‌ویژه کالاهای راهبردی می‌تواند فرصت خوبی را برای ج.ا.ایران فراهم کند.
 ۵. سیاست‌های ضد سلطه بریکس و قدرت‌یابی بریکس در جهت تغییر تک قطبی آمریکا با سیاست‌های خارجی ج.ا.ایران همسو می‌باشد و رأی و حمایت کشورهای بریکس چه در مجامع بین‌الملل و چه در مناطق خود می‌تواند کمک کننده ج.ا.ایران باشد.
 ۶. در حوزه سیاست‌های بازرگانی در دو بخش صنعت و کشاورزی به‌دلیل تولیدات ارزان چین و هند، ایجاد توافقنامه ترجیحات تعرفه‌ای برای ج.ا.ایران می‌تواند تهدید باشد.
 ۷. اتخاذ مواضع هماهنگ و دوستانه اعضای بریکس در قبال برخی کشورها همچون رژیم صهیونیستی می‌تواند برای ج.ا.ایران تهدید تلقی شود.
 ۸. برخی مناقشات سیاسی داخلی همچون گسترش اعتراض‌های مسلمانان در کشمیر، در صورت اتخاذ سیاست برخورد با مسلمانان از سوی اعضای بریکس می‌تواند زمینه‌ساز اختلاف‌های سیاسی ج.ا.ایران با گروه بریکس شود.
- در تحلیل کمی به‌منظور بررسی نظرات افراد شرکت کننده در پژوهش که «مهم‌ترین فرصت‌ها و تهدیدهای شکل‌گیری و تقویت گروه بریکس به‌عنوان یک گروه برتر در اقتصاد جهانی، برای امنیت اقتصادی ج.ا.ایران کدامند؟» از آزمون فریدمن استفاده شد.
- بر اساس نتایج به‌دست آمده در جدول شماره (۱۲) می‌توان گفت که چون میزان خی دو برای آزمون فریدمن محاسباتی ۱۲۶/۳۴ به‌دست آمده و این میزان در سطح ۰/۰۵ معناداری می‌باشد؛ بنابراین فرض صفر رد شده و فرض خلاف تأیید می‌شود؛ به عبارتی، با توجه به نتایج به‌دست آمده می‌توان نتیجه گرفت افراد رتبه‌های کاملاً متفاوتی در انتخاب هر سؤال نشان دادند. رتبه‌بندی مهم‌ترین فرصت‌ها و تهدیدهای شکل‌گیری و تقویت گروه بریکس به ترتیب اولویت عبارتند از:

- ۱- در حوزه انرژی سه کشور چین، هند و آفریقای جنوبی متقاضی نفت و برزیل متقاضی پتروشیمی ج.ا.ایران هستند و می‌توانند مشتری مناسبی برای ما باشند. (میانگین رتبه‌ها: ۶/۹۱)
- ۲- سرمایه‌گذاری مشترک بین ج.ا.ایران و گروه بریکس در حوزه‌های مختلف به‌ویژه کالاهای راهبردی می‌تواند فرصت خوبی را برای ج.ا.ایران فراهم کند. (میانگین رتبه‌ها: ۵/۳۸)
- ۳- سیاست‌های ضد سلطه بریکس و قدرت‌یابی بریکس در جهت تغییر تک قطبی آمریکا با سیاست‌های خارجی ج.ا.ایران همسو می‌باشد و رأی و حمایت کشورهای بریکس چه در مجامع بین‌المللی و چه در مناطق خود می‌تواند کمک کننده ج.ا.ایران باشد. (میانگین رتبه‌ها: ۵/۳۰)
- ۴- در حوزه مالی و پولی، بریکس گروه مناسبی است تا از طریق دو بانک توسعه آسیایی و بانک توسعه بریکس ج.ا.ایران تأمین مالی کند. (میانگین رتبه‌ها: ۴/۸۷)
- ۵- برخی مناقشه‌های سیاسی داخلی همچون گسترش اعتراض‌های مسلمانان در کشمیر، در صورت اتخاذ سیاست برخورد با مسلمانان از سوی اعضای بریکس می‌تواند زمینه ساز اختلاف‌های سیاسی ج.ا.ایران با گروه بریکس شود. (میانگین رتبه‌ها: ۳/۸۶)
- ۶- اتخاذ مواضع هماهنگ و دوستانه اعضای بریکس در قبال برخی کشورها همچون رژیم صهیونیستی می‌تواند برای ج.ا.ایران تهدید تلقی شود. (میانگین رتبه‌ها: ۳/۳۶)
- ۷- ج.ا.ایران می‌تواند در حوزه اجتماعی و مسائلی همچون فقرزدایی، کاهش بیکاری و اختلاف‌های طبقاتی با بریکس همکاری داشته و پیشرفت‌هایی را در این زمینه به‌دست آورد. (میانگین رتبه‌ها: ۳/۲۸)
- ۸- در حوزه سیاست‌های بازرگانی در دو بخش صنعت و کشاورزی به دلیل تولیدات ارزان چین و هند، ایجاد توافقنامه ترجیحات تعرفه‌ای برای ج.ا.ایران می‌تواند تهدید باشد. (میانگین رتبه‌ها: ۳/۰۴)

جدول شماره (۱۲) توزیع پاسخ‌ها، میانگین، انحراف معیار و آزمون فریدمن سؤال‌های مربوط به

سؤال پنجم پژوهش

P	آزمون خی دو	میانگین رتبه‌ها	انحراف معیار	میانگین	توزیع پاسخ‌ها					سؤال‌ها	شماره	رتبه
					کاملاً موافقم	موافقم	نه موافقم نه مخالفم	مخالفم	کاملاً مخالفم			
۰/۰۰	۱۱۳۷۳۴	۶/۹۱	۰/۴۰	۴/۸۰	۴۰	۱۰	-	-	-	در حوزه انرژی سه کشور چین، هند و آفریقای جنوبی متقاضی نفت و برزیل متقاضی پتروشیمی ج.ا.ایران هستند و می‌توانند مشتری مناسبی برای ما باشند.	۱	۱
		۵/۳۸	۰/۸۷	۴/۱۲	۱۵	۲۹	۳	۳	-	سرمایه‌گذاری مشترک بین ج.ا.ایران و گروه بریکس در حوزه‌های مختلف به‌ویژه کالاهای راهبردی می‌تواند فرصت خوبی را برای ج.ا.ایران فراهم کند.	۴	۲
		۵/۳۰	۱/۰۲	۴/۰۸	۲۵	۷	۱۵	۳	-	سیاست‌های ضد سلطه بریکس و قدرت‌یابی بریکس در جهت تغییر تک قطبی آمریکا با سیاست‌های خارجی ج.ا.ایران همسو می‌باشد و رأی و حمایت کشورهای بریکس چه در مجامع بین‌المللی و چه در مناطق خود می‌تواند کمک کننده ج.ا.ایران باشد.	۵	۳
		۴/۸۷	۰/۸۵	۳/۸۶	۷	۳۳	۶	۴	-	در حوزه مالی و پولی، بریکس گروه مناسبی است تا از طریق دو بانک توسعه آسیایی و بانک توسعه بریکس ج.ا.ایران تأمین مالی کند.	۲	۴
		۳/۸۶	۰/۹۹	۳/۵۴	۱۱	۱۲	۲۰	۷	-	برخی مناقشه‌های سیاسی داخلی همچون گسترش اعتراض‌های مسلمانان در کشمیر، در صورت اتخاذ سیاست برخورد با مسلمانان از سوی اعضای بریکس می‌تواند زمینه ساز اختلافات سیاسی ج.ا.ایران با گروه بریکس شود.	۸	۵
		۳/۳۶	۰/۸۸	۳/۴۴	۳	۲۲	۱۹	۶	-	اتخاذ مواضع هماهنگ و دوستانه اعضای بریکس در قبال برخی کشورها همچون رژیم صهیونیستی می‌تواند برای ج.ا.ایران تهدید تلقی شود.	۷	۶
		۳/۲۸	۰/۸۱	۳/۳۲	-	۲۳	۲۰	۷	-	ج.ا.ایران می‌تواند در حوزه اجتماعی و مسائلی همچون فقرزدایی، کاهش بیکاری و اختلاف‌های طبقاتی با بریکس همکاری داشته و پیشرفت‌هایی را در این زمینه به‌دست آورد.	۳	۷
		۳/۰۴	۰/۵۶	۳/۲۶	-	۱۶	۳۱	۳	-	در حوزه سیاست‌های بازرگانی در دو بخش صنعت و کشاورزی به دلیل تولیدات ارزان چین و هند ایجاد توافقنامه ترجیحات تعرفه‌ای برای ج.ا.ایران می‌تواند تهدید باشد.	۶	۸

سؤال دوم: در رابطه با سؤال دوم از هدف دوم با این عنوان که «راهکارهای مناسب

تعامل ج.ا.ایران با گروه بریکس بر اساس آینده پیش‌روی بریکس چه می‌باشد؟» با تحلیل

مصاحبه‌ها، اولویت چهار محور اساسی زیر مشخص گردید:

۱. اولویت اول و مناسب‌ترین راهکار این است که ج.ا.ایران ضمن حمایت از تشکیل گروه بریکس، باید بیشتر در جهت تقویت رابطه دوجانبه با یکایک اعضای بریکس تلاش کند.
۲. اولویت دوم راهکار ج.ا.ایران به این ترتیب است که ج.ا.ایران باید به دنبال فراهم‌سازی زمینه عضویت در گروه بریکس باشد.
۳. اولویت سوم راهکار ج.ا.ایران این می‌باشد که ج.ا.ایران ضمن حمایت از تشکیل گروه بریکس، باید به دنبال تقویت رابطه خود با اعضای بریکس در قالب یک اتحادیه باشد.
۴. اولویت چهارمی که هیچ‌یک از متخصصان با آن موافق نبودند این بود که ج.ا.ایران نباید نسبت به گسترش همکاری با گروه بریکس رویکرد خنثی را اتخاذ کند. در تحلیل کمی به منظور بررسی نظرات افراد شرکت کننده در پژوهش که «مهمترین راهکارهای مناسب تعامل ج.ا.ایران با گروه بریکس بر اساس آینده پیش روی بریکس چه می‌باشند؟» از آزمون فریدمن استفاده شد. بر اساس نتایج به دست آمده در جدول شماره (۱۳) می‌توان گفت که چون میزان خی دو برای آزمون فریدمن محاسباتی $78/93$ به دست آمده و این میزان در سطح $0/05$ معناداری می‌باشد، بنابراین فرض صفر رد شده و فرض خلاف تأیید می‌شود؛ به عبارتی، با توجه به نتایج به دست آمده می‌توان نتیجه گرفت افراد رتبه‌های کاملاً متفاوتی در انتخاب هر سؤال نشان دادند. رتبه‌بندی مهم‌ترین راهکارهای مناسب تعامل ج.ا.ایران با گروه بریکس به ترتیب اولویت عبارتند از:
 - ۱- ج.ا.ایران ضمن حمایت از تشکیل گروه بریکس، باید بیشتر در جهت تقویت رابطه دوجانبه با یکایک اعضای بریکس تلاش کند. (میانگین رتبه‌ها: $3/03$)
 - ۲- ج.ا.ایران باید به دنبال فراهم‌سازی زمینه عضویت در گروه بریکس باشد. (میانگین رتبه‌ها: $2/96$)

۳- ج.ا.ایران ضمن حمایت از تشکیل گروه بریکس باید به دنبال تقویت رابطه خود با اعضای بریکس در قالب یک اتحادیه باشد. (میانگین رتبه‌ها: ۲/۷۸)

۴- ج.ا.ایران باید نسبت به گسترش همکاری با گروه بریکس، رویکرد خنثی را اتخاذ کند. (میانگین رتبه‌ها: ۱/۲۳)

جدول شماره (۱۳) توزیع پاسخ‌ها، میانگین، انحراف معیار و آزمون فریدمن سؤال‌های مربوط به سؤال

ششم پژوهش

ردیف	شماره	سؤال‌ها	توزیع پاسخ‌ها					میانگین	انحراف معیار	میانگین رتبه‌ها	آزمون خنثی دو	p
			کاملاً موافقم	موافقم	نه موافقم نه مخالفم	مخالفم	کاملاً مخالفم					
۱	۱۰	ج.الیران ضمن حمایت از تشکیل گروه بریکس، باید بیشتر در جهت تقویت رابطه دوجانبه با یکایک اعضای بریکس تلاش کند.	-	۸	-	۲۲	۲۰	۴/۰۸	۱/۰۲	۳/۰۳	۰/۰۰	۷۸/۹۳
۲	۱۲	ج.الیران باید به دنبال فراهم‌سازی زمینه عضویت در گروه بریکس باشد.	۳	-	۶	۱۹	۴/۱۴	۱/۰۴	۲/۹۶			
۳	۱۱	ج.الیران ضمن حمایت از تشکیل گروه بریکس باید به دنبال تقویت رابطه خود با اعضای بریکس در قالب یک اتحادیه باشد.	-	۳	۱۰	۲۳	۳/۹۶	۰/۸۵	۲/۷۸			
۴	۹	ج.الیران باید نسبت به گسترش همکاری با گروه بریکس رویکرد خنثی را اتخاذ کند.	-	۴۴	۶	-	-	۲/۱۲	۰/۳۲	۱/۲۳		

۶. نتیجه‌گیری

با توجه به نتایج تحقیق، گروه بریکس می‌تواند در زمینه‌های مختلفی از جمله انرژی، اقتصاد، مبادلات بازرگانی، سیاسی، تامین مالی و پولی، سرمایه‌گذاری خارجی برای ج.ا.ایران فرصت‌هایی را فراهم آورد. ج.ا.ایران باید با تقویت رابطه دوجانبه با هر یک از کشورهای عضو گروه در حوزه‌های یاد شده، زمینه عضویت در گروه را فراهم سازد.

همچنین شاهد آن هستیم که رهبران ج.ا.ایران نیز آشکارا روابط اقتصادی با چین، روسیه، هند و به شکل بالقوه ای با برزیل و آفریقای جنوبی را به صورت دوجانبه دنبال می‌کنند و از طرفی وجود مجموعه‌ای از طرح‌های بزرگ و جذاب دولتی برای اقتصادهای در حال ظهور، فرصت تقویت روابط با ج.ا.ایران را فراهم کرده است. کشورهای عضو

بریکس نیز برای تقویت روابط دوجانبه با ج.ا.ایران گام‌های مهمی برداشته‌اند. موقعیت ژئوپلیتیک و ژئواستراتژیک ج.ا.ایران در منطقه و توانایی‌های آن در حوزه نفت، گاز، پتروشیمی، معادن و نیروی انسانی و به‌عنوان یک کشور قدرتمند و امن در منطقه می‌تواند عضوی مناسب برای گروه بریکس باشد.

در رابطه با تهدیدها باید گفت تهدیدهای خاصی از سوی گروه بریکس امنیت اقتصادی ج.ا.ایران را تهدید نمی‌کند. بنابراین چنین برداشت می‌شود که با توجه به سابقه و عملکرد منفی آمریکا و جبهه تحت امرش (شامل اروپا، بانک جهانی و صندوق بین‌المللی پول) در بلوکه کردن پول به دلایل سیاسی و خلق فضای بی‌اعتمادی لازم است نزدیکی به گروه بریکس که در آخرین نشست خود تأکید بر حمایت از کشورهای در حال توسعه داشته را ج.ا.ایران به‌مثابه فرصتی مغتنم شمرده و با الگوگیری از تلاش و سماجت آفریقای جنوبی در پیوستن به بریکس، وارد جبهه اقتصادی مورد اعتمادتری گردد که حداقل در خلال دهه‌های اخیر بر خلاف جبهه رقیب، مؤلفه‌ها و نشانه‌های اعتماد را به‌وجود آورده است.

در نهایت اینکه وارد شدن ج.ا.ایران در این گروه قدرتمند می‌تواند در رشد و توسعه اقتصادی ج.ا.ایران اثرگذار باشد و منجر به سرمایه‌گذاری‌های بریکس در اقتصاد ج.ا.ایران، ایجاد بازارهایی برای صادرات و واردات، وجود هم‌پیمانان خوبی در مراودات بین‌المللی شود و از تنش‌هایی که بیشتر به دلیل سیاست‌های جانبدارانه غرب به‌وجود آمده، خواهد کاست و از این طریق ج.ا.ایران می‌تواند مواضع سیاسی خود را در نظام مناسبات بین‌المللی به‌طرز چشمگیری تقویت کند؛ زیرا این گروه در اتخاذ تصمیم‌های راهبردی نقش فزاینده‌ای ایفا می‌کند. سود متقابلی در کار است؛ ج.ا.ایران که در مرکز خاور نزدیک و میانه واقع شده، برای بریکس جایگاه کلیدی در این منطقه را تضمین خواهد کرد. پیوستن ج.ا.ایران به عضویت این سازمان یک کمبود آن یعنی فقدان نماینده با نفوذ جهان اسلام را جبران خواهد کرد. در حقیقت وجود اراده سیاسی طرفین (ج.ا.ایران و گروه بریکس) تعیین‌کننده خواهد بود. البته در حال حاضر نامزدهای دیگری از جمله اندونزی، مالزی، آرژانتین

و مصر متقاضی عضویت در بریکس هستند که از نظر وزن و توان خود با ج.ا.ایران قابل مقایسه می‌باشند؛ اما بی‌شک با عضویت ج.ا.ایران در بریکس، نقش سازنده ج.ا.ایران در این گروه به هدف ایجاد یک نظم بین‌المللی عادلانه‌تر یاری خواهد رساند.

۷. پیشنهادهای مدیریتی

- ج.ا.ایران قبل از عضویت در این گروه ابتدا باید با انتخاب راهبرد مناسب و تعریف موقعیت‌های که بریکس به دنبال آن است و همچنین با تمرکز بر منابع و ظرفیت‌های داخلی خود، آنها را سازماندهی نموده و با اصلاحات لازم در زیرساخت‌های خود، اعتمادسازی، تقویت بخش خصوصی، شناسایی نیروهای کارآمد، طی مذاکره هوشمندانه و با رعایت شیوه عضو شدن، میزان حق رأی و سهمیه، میزان استفاده از تسهیلات و میزان درگیری منابع مالی مناسب، عضو این گروه گردد.
- با توجه به رشد فزاینده تقاضای انرژی به‌ویژه در کشورهای دارای اقتصاد نوظهور، از جمله چین و هند، پیشنهاد می‌شود ج.ا.ایران تلاش کند تا به‌همراه روسیه تأمین‌کننده انرژی اعضای گروه بریکس باشد. بنابراین دیپلماسی فعال انرژی می‌تواند زمینه برخورداری از منافع حداکثرسازی بازار بین‌المللی انرژی را برای ج.ا.ایران به ارمغان آورد؛ ضمن آنکه قدرت چانه‌زنی ج.ا.ایران را نیز در برابر قدرت‌های اثرگذار در نظام بین‌الملل ارتقا بخشد.
- چین و هند جزو بزرگ‌ترین شرکای تجاری ج.ا.ایران محسوب می‌شوند، توسعه روابط تجاری ج.ا.ایران با کشورهای یاد شده بی‌شک زمینه‌ساز روابطی بهتر از حال با کشورهای هم‌گروه آنها یعنی برزیل، روسیه و آفریقای جنوبی خواهد بود. ج.ا.ایران می‌تواند با تقویت توان تولیدی کشور و بهبود شاخص‌های اقتصادی خود، توانایی و ظرفیت تجارت با کشورهای گروه بریکس را افزایش دهد و انعقاد یک موافقتنامه تجارت آزاد و ایجاد جبهه منطقه‌ای بین ج.ا.ایران و کشورهای مورد مطالعه را منطقی و در آینده‌های نزدیک دست‌یافتنی خواهد نمود؛ همچنین گفتنی است که

ایجاد هر یک از مراحل همگرایی موفق و رو به جلو، فرایندی زمان‌بر و پیچیده است که به میزان و وسعت دسترسی به بازار هر یک از این کشورهای گروه بریکس در این فرایند بستگی دارد. کاهش موانع تعرفه‌ای و غیرتعرفه‌ای، بهبود فضای کسب و کار و تسهیل در جریان مبادلات ارزی و مالی کشورها در قالب طرح‌های همگرایی می‌تواند عامل توسعه روابط و استحکام این روابط گردد.

- ورود اعضای جدید به بانک توسعه بریکس در سال ۲۰۱۷ آغاز خواهد شد. ج.ا.ایران در حاضر باید تلاش کند با اقدام‌های لازم و پیگیری‌های مناسب، شرایط پیوستن به بانک توسعه بریکس را ایجاد کند؛ چرا که در آینده می‌تواند با تأمین مالی از این بانک گام‌های موثری را بردارد و کمک کننده اقتصاد ج.ا.ایران باشد. از طرفی پیشنهاد می‌شود ج.ا.ایران جهت عضویت در گروه بریکس با توجه به منافع ملی و براساس اولویت‌ها، رویکرد ایجابی در مسائل سیاسی که مربوط به اعضای گروه بریکس می‌شود را اتخاذ کند.
- با توجه به واقع شدن ج.ا.ایران در مسیر حمل و نقل شرق - غرب و دالان شمال- جنوب آسیا و همچنین وجود بازار بسیار گسترده کشورهای عضو بریکس برای حمل و نقل کالاهای نفتی و غیرنفتی، ج.ا.ایران باید نسبت به جذب این‌گونه کالاها اقدام‌های بیشتری انجام دهد تا مسیرهای عبوری از کشورمان نسبت به مسیرهای مشابه و جایگزین، دارای جذابیت بیشتری باشد. برای مثال، ج.ا.ایران به علت واقع شدن در مسیر حمل و نقل دالان شمال - جنوب می‌تواند مدت زمان حمل و نقل کالا از هند به اروپا را به نصف مدت زمان فعلی کاهش دهد.
- موقعیت ژئواستراتژیکی ج.ا.ایران برای به نتیجه رساندن طرح گسترده کمربند اقتصادی جاده ابریشم بسیار حائز اهمیت است. چین در طرح احیای جاده ابریشم به دنبال ارتباط بیشتر با منطقه غرب آسیا است. اگر چینی‌ها از این مسیر به ج.ا.ایران برسند. در واقع به غرب آسیا رسیده اند. چین از طریق این جاده از یکسو قصد دارد کالاهایش را صادر کند و از سوی دیگر انرژی وارد کند، که همکاری ج.ا.ایران در این

زمینه می‌تواند فرصت‌های فراوانی را برای ج.ا.ایران فراهم کند و جایگاه منطقه‌ای ج.ا.ایران را ارتقا بخشد.



منابع و یادداشت‌ها

الف. منابع فارسی

- (۱) اسلاتر، ریچارد، (۱۳۷۸)، *نواندیشی برای هزاره نوبین: مفاهیم، روش‌ها و ایده‌های آینده-پژوهی*، ترجمه عقیل ملکی، وحید وحیدی و سیداحمد ابراهیمی، مرکز مطالعات و برنامه‌ریزی استراتژیک، مؤسسه آموزشی و تحقیقات صنایع دفاعی.
- (۲) پورسید، بهزاد، (۱۳۸۲)، *امنیت اقتصادی در بعد سرمایه‌گذاری خارجی*، مجموعه مقالات همایش راهکارهای توسعه امنیت اقتصادی.
- (۳) زمانی، ناصر، (۱۳۹۲)، چشم‌انداز اقتصادی - سیاسی بریکس، *فصلنامه سیاست خارجی*، شماره ۱۰۴.
- (۴) سعیدی، رضا، خلیل سعیدی و علی دهقانی، (۱۳۹۳)، امکان‌سنجی ایجاد موافقتنامه تجارت ترجیحی ایران با کشورهای گروه بریکس، *پژوهش‌ها و سیاست‌های اقتصادی*، شماره ۶۹.
- (۵) سلامی، زهره، (۱۳۹۲)، رویکرد همکاری توازن‌طلبی نرم چین و آمریکا در دوراهی بعد از ۱۱ سپتامبر، *فصلنامه دیپلماسی دفاعی*، سال سوم، شماره ۶.
- (۶) سلیمان‌پور، هادی و عبدالله مولایی، (۱۳۹۲)، قدرت‌های نوظهور در دوران گذار نظام بین‌الملل، *فصلنامه روابط خارجی*، سال پنجم، شماره ۱۷.
- (۷) سنایی، مهدی و غلامرضا ابراهیم‌آبادی، (۱۳۹۲)، سازمان قدرت‌های اقتصادی در حال ظهور (بریکس): اهداف، توانمندی‌ها و جایگاه آن در نظام بین‌المللی، *فصلنامه مطالعات جهان*، دوره ۳، شماره ۱.
- (۸) شیرخانی، محمدعلی، رحیم بایزیدی و مجتبی رضازاده، (۱۳۹۳)، موازنه نرم: بریکس و چالش برتری آمریکا، *پژوهشنامه علوم سیاسی*، سال نهم، شماره سوم.
- (۹) ظریف، محمدجواد و سیدکاظم سجادی‌پور، (۱۳۸۷)، *دیپلماسی چندجانبه، نظریه و عملکرد سازمان‌های منطقه‌ای و بین‌المللی*، تهران، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی.
- (۱۰) عبدالقیوم، سیدضیغم، (۱۳۹۱)، *اتحادیه بریکس و مقابله با غارت کشورهای در حال توسعه*، ترجمه عباسی همدانی.
- (۱۱) فاخری، مهدی و شمس‌ا... عظیمی، (۱۳۹۲)، برزیل و اصلاح ساختار شورای امنیت: فرصت‌ها و چالش‌ها، *فصلنامه روابط خارجی*، سال پنجم، شماره دوم.
- (۱۲) کیوان‌حسینی، اصغر و فاطمه دانشور، (۱۳۹۲)، از نظریه موازنه قدرت تا نظریه توازن‌طلبی نرم، *فصلنامه دیپلماسی دفاعی*، سال سوم، شماره ۶.

- (۱۳) گنجی دوست، محمد، (۱۳۹۱)، نگاهی به کشورهای بریکس، *رویدادها و تحلیل‌ها*، شماره ۲۶۹.
- (۱۴) گنجی دوست، محمد، (۱۳۹۲)، شکوفایی دیپلماسی بریکس از طریق آفریقای جنوبی، *رویدادها و تحلیل‌ها*، شماره ۲۷۳.
- (۱۵) ملکی فر، عقیل، (۱۳۸۵)، *القبای آینده پژوهی*، مرکز آینده پژوهی علوم و فناوری دفاعی.
- (۱۶) ولی زاده، اکبر و سیدمحمد هوشی سادات، (۱۳۹۲)، ژئوپلیتیک انرژی بریکس و جایگاه ایران، *فصلنامه سیاست*، دوره چهل و سوم، شماره ۲.

ب. منابع لاتین

- (1) Ademola, O. T, A. S. Bankole, & A. O. Adewuyi, (2009), China–Africa Trade Relations: Insights from AERC Scoping Studies, *European Journal of Development Research*, Vol. 21, No. 4.
- (2) Albach, Phlliph G, (2012), The Prospects for the BRICS – The New Academic Superpowers?, *Economic & Political Weekly*, October/ Vol XLVII, No. 43.
- (3) Aparajita Biswas, (2011), Foreign Relations of India: BRICS and India, *BRICS in Africa*, *International Affairs*.
- (4) Besada, hany. & E. Tok, (2014), South Africa in the BRICS: Soft Power Balancing and Instrumentalization, *Journal of International and Global Studies*; Vol. 5, No. 2.
- (5) Besada, hany, & E. Tok, (2014), South Africa in the BRICS: Soft Power Balancing and Instrumentalization, *Journal of International and Global Studies*: Vol. 5, No. 2.
- (6) BRICS: joint statistical publication, (2014), Brazil, Russia, India, China, South Africa /IBGE. - Rio de Janeiro : IBGE, 2014.
- (7) Chikkatur, Ananth, (2011), Energy Challenges – India", (Conference of "BRICS in 2020", the University of Chicago).
- (8) China, Brazil, India & Russia are All Deemed to be Growth-Leading Countries, (2012), by the BBVA: BBVA EAGLEs Annual Report (PPT), BBVA Research.
- (9) Crotty, J. & Hall, S. M. Forthcoming. CSR in BRIC (Brazil, Russia, India, China) countries. *Social Responsibility Journal*.
- (10) Euce, (2007), The Rise of The Brics: Implications for transatlantic relations Brazil, Russia, India, China), *European Union center of North Carolina*, EU Briefings.
- (11) Haibin, Niu, (2012), BRICS In Global Governance, A Progressive Force, Fredrich Ebert Stiftung. Huntington, Samuel P, (1999), The Lonely Superpower, *Foreign Affairs*, Vol. 78, NO. 2

- (12) Jacobs, I. and Rossem, v. r, (2013), The BRICS phantom: A comparative analysis of the brics as a category of rising power, jornal of policy modeling, vol: 40.
- (13) Kakonen, Jyrki, (2013), BRICS as a New Constellation in International Relations, University of Tampere/Tallinn University, Conference Dublin
- (14) Kobayashi, Mark-Hillary, (2008), Building a Future with BRICs-The Next Decade for Offshoring, Springer, Verlage Berlin Heidelberg,
- (15) Kurt, Serdar. Kurt, Ünzüle, (2015), Innovation and Labour Productivity in BRICS Countries: Panel Causality and Co-integration, jornal of Procedia - Social and Behavioral Sciences, vol. 195.
- (16) International Security, Vol. 34, No. 1.
- (17) Mobarek, Asma. and Fiorante, Angelo, (2014), prospects of BRIC countries: Testing weak-form market efficienc , jornal of International Business and Finance of Elsevier, vol:30.
- (18) Mwase, N. and Y. Yang, (2011), Philosophies of BRIC Development Flows and Implications for LICs, IMF Working Paper, forthcoming, (Washington: International Monetary Fund).
- (19) Mwase, N, (2011), Determinants of development financing flows from BRICs to LICs, IMF Working Paper, forthcoming (Washington: International Monetary Fund).
- (20) Narayanaswami, Karthik, (2014), BRIC Economies & Foreign Policy, Panel: BRICS as a new global communication order, University of Tampere
- (21) O'Neill, Jim, (2001), Building Better Global Economic Brics, Goldman Sachs, Research from the GS Financial Workbench, Global Economics, No. 66.
- (22) Paul, T.V, (2005), Soft Balancing in the Age of U.S. Primacy, International Security, Vol. 30, No. 1.
- (23) Thompson, Derek and Fisher, Max, (2012), 5 Lessons From the Rise of the BRICS, The Atlantic Monthly Group, www.theatlantic.com
- (24) Thomsen, p. I. and Wad, Peter, (2014), Global Value Chains, Local Economic Organization and Corporate Social Responsibility in the BRICS Countries, jornal of competition and change, vol: 18.
- (25) Yao, X. and Watanabe, C, (2009), Institutional Structure of sustainable development in BRICS, jornal of Technology in Society, vol. 31.

ج. پایگاه‌های اینترنتی

- (1) www.brics.utoronto.ca
- (2) www.brics2015.ru
- (3) www.brics5.co.za
- (4) www.bricsindia.in
- (5) www.cia.gov
- (6) www.imf.org
- (7) www.petronew.ir

(8) www.wikipedia.org

(9) www.worldbank.org

